

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست؛ رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان)

احمد نمایی

مراسم عزاداری ماه محرم در جهان شیعه که در خاطره‌ها به یادگار مانده با جریان طنین صدا، تمثال، و هیجان همراه است و به طور فزاینده‌ای از طریق رسانه‌های گروهی شناخته و مورد پسند مردم قرار می‌گیرد. فرهنگ دلنشین و جان‌بخشی که از اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیون پخش می‌شود ریشه در این "فرهنگ ساختگی" دارد که همه ساله همراه با کشمکش‌هایی در سطح محلی، و حتی نیمه محلی (در حد یک روستا یا ناحیه) و در سطح جهانی بازسازی، تجدید نظر و تکرار می‌شود. در ۵۰ سال اخیر، یا کم و بیش در همین مدت، حرکت‌های گسترده مردمی و شهرگرایی موجب افزایش این مراسم شده و جنبه‌های سیاسی پیشرفت شیعه در خاورمیانه بر امکان دیدن آن افزوده است.

بیش از هر چیز، این مراسم به شیعیان کمک می‌کند تا حضور و هویت خود را استوار سازند، هرچند گاهی با برخوردهایی بین عوام همراه است. (در پاکستان یا عراق در ضمن این مراسم اغلب خشونت‌هایی بین گروه‌ها اتفاق می‌افتد). اما این مراسم نیز به آنان امکان می‌دهد تا پیام جهانی فرضی خود را اعلام کنند: پیام پیروزی خیر بر شر و "پیروزی خون بر شمشیر". در هر صورت هدف آن است که خاطره یک پیروزی، نبرد کربلا، را زنده نگاه دارند و برای حسین بن علی (ع) سبط پیامبر (ص) و امام سوم شیعیان، که در آنجا به شهادت رسید سوگواری کنند.

آنچه ما آن را نماد کربلا می‌نامیم^۱ براساس درک خاصی از تاریخ، به‌ویژه تاریخ شیعه دوازده امامی، است. بخشی از آموزه‌های شیعی، به هنگام شکل‌گیری ویژگی‌ها و روابط اجتماعی، بر پایه این نماد گسترش یافته است. پس از بیان و تحلیل این سرمشق، به شرح چگونگی مراسم عزاداری محرم خواهیم پرداخت. سپس بر دو موضوع تأکید می‌کنم، که هر یک از آن‌ها بازگوی جریان فکری خاصی است. تحلیل من بر اساس زمینه کاری دراز مدتی است که در خاورمیانه (لبنان، سوریه و عمان) و در هندوستان بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۹ رخ داد تا دیدگاه‌های تطبیقی را فراهم سازد.

پربراری متن‌هایی که در مورد عاشورا منتشر شده، از گزارش مسافران تا پژوهش‌های جامعی که در سال‌های اخیر انجام گرفته وحدت و هم‌اختلاف شدید این گفتگوها و اعمال مورد بحث در این مراسم را بیان می‌کند.^۲ چنین رویکردی برای افزایش دانش ما در مورد

^۱ نک: مایکل فیشر، ایران از گفتگوهای دینی تا انقلاب، ص ۲۱-۲۲.

^۲ برای کتاب‌هایی در این مورد مربوط به ایران نک: کامران آقایی، *شهادت کربلا: نمادهای شیعی و مراسم مذهبی در ایران امروز*؛ کامران آقایی (ویراستار)، *زنان کربلا: مراسم عزاداری و گفتگوهای نمادین در اسلام شیعی امروز*؛ پ. چلکوفسکی، "اجرای نوحه‌سرایی‌های دسته جمعی مسلمانان شیعه" ص ۱۸-۳۰؛ پ. چلکوفسکی، "پرده‌های نقاشی داستانی و پرده خوانی در دوران قاجار" ص ۹۸-۱۱۱؛ د. ترفل، تشیع پایدار، نمونه‌هایی از انجام شعائر دینی در بین مردم اسلام گرای ایران امروز.

برای کتاب‌هایی مربوط به هند نک: دیوید پینولت، *مراسم مذهبی شیعه و پارسایی مردمی در جامعه‌ای اسلامی*؛ دیوید پینولت، *اسب کربلا، زندگی عبادی در هند*؛ ت. هوارث، *شیعه دوازده امامی، اقلیتی دینی در هند*. منبر اشک‌ها.

برای کتاب‌هایی مربوط به افغانستان نک: ا. منسوتی، "بین جوشش مذهبی و فشار سیاسی: عاشورادر بین هزاره‌های کوئته (پاکستان)" (<http://www.ethnographiques.org/2005/Monsutti.html> (accessed 13 August 2013)).

برای کتاب‌هایی مربوط به پاکستان نک: و. شوبل، *برگزاری مراسم مذهبی در اسلام معاصر: مراسم عزاداری شیعیان در جنوب آسیا*؛ م. ا. هگلند، *مجالس عزاداری زنان شیعه در شمال غربی پاکستان*، ص ۱۷۹-۱۹۶؛ م. ا. هگلند، "خودزنی و بنیاد گرایی: (ترجمه) مفهوم هویت و جنسیت در مراسم مذهبی عزاداری زنان پاکستانی"؛ ص ۲۴۰-۲۶۶؛ م. ا. هگلند، "دو نیروی مخالف در مجالس زنان مسلمان: مراسم عزاداری در شمال غربی پاکستان به عنوان پایگاه‌هایی در موافقت با سیاست‌های دینی، قومی و جنسیتی"؛ ص ۳۹۱-۴۶۲.

شیعیان و جامعه شیعی و همچنین بررسی‌های دینی به طور کلی، به ویژه بررسی‌های مراسم مذهبی به روشی مقایسه‌ای مناسب است.

از این رو من با دو موضوع سر و کار داشتم، به ویژه زمانی که پرسش‌هایی مطرح شد و مسائلی را برانگیخت که در بین علمای دینی بحث برانگیز است. موضوع اول، معرفی چهره‌های مقدس شیعه به شکل‌های مختلف، به ویژه بیان آن به شکل نمایشی، و به این سبب من به تفسیر مفهوم تاریخی که ریشه در آن دارد و جنبه‌های سیاسی - یا نبود جنبه‌های سیاسی - این گفتگوها می‌پردازم.

موضوع دوم به بررسی انجام اعمال رنج‌آوری می‌پردازم که موجب بحث‌هایی بین علما شده است. با توجه به این دو موضوع ما به چگونگی جذب بازیگران علاقه‌مند به نوگرایی در گفتگوهایشان در مورد مراسم عاشورا می‌توانیم پی ببریم. علاوه بر این، آن‌ها به ما کمک خواهند کرد که دامنه بحث خود در مورد این دو بُعد مکمل مراسم عزاداری را افزایش دهیم؛ بُعد دسته جمعی با ایفای نقشی اجتماعی و بُعد انفرادی با نقش اصلی فعالیت هیجانی.

برای کتاب‌هایی مربوط به لبنان نک: ل. دیب، *جاذبه‌های نوین: جنسیت و مراسم مذهبی در بین شیعیان لبنان*؛ ل. دیب، *عاشورای زنده در لبنان: عزاداری‌ای که تبدیل به قربانی شد*، ص ۱۲۲-۱۳۷؛ ل. دیب، *هم‌چشمی یا مجسم کردن آرمان‌ها: جنسیت ابزارهای دنیوی. نقش نمادهای اسلامی در شیعیان لبنان*، ... ص ۲۴۲-۲۵۷؛ س. مروین، *فاطمه و زینب (س) دو بانوی جهان اسلام شیعی*، ص ۱۱۱-۱۱۹؛ س. مروین، *گریه و زاری شیعیان: بخش اصلی و عملی آداب دینی در مراسم عاشورا (لبنان، سوریه)*، ص ۱۱۳-۱۱۴، س. مروین، *جسم و دین در بین مسلمانان مشرق زمین*، ص ۱۵۳-۱۶۶ س. مروین، *عاشورا: گفتاری درباره مراسم مذهبی در جوامع مختلف شیعی (لبنان و سوریه)*، ص ۱۳۷-۱۴۷؛ س. مروین، *تعزیه خوانی شیعیان لبنان، بین مراسمی دینی و نمایشی*، ص ۵۷-۷۵؛ م. ویس، *فرهنگ سیاسی و نوگرایی شیعه: اخلاق و جنسیت در اوایل سده بیستم لبنان*، ص ۲۴۹-۲۷۰؛ م. ویس، *در سایه فرقه گرای: قانون، تشیع و ساخت لبنان جدید*. برای کتاب‌هایی مربوط به آذربایجان نک: آ. ولکر *برای چه می‌گیرند؟ نقد مراسم محرم در آذربایجان تزاری و سوسیالیست*، ص ۱۱۴-۱۳۵؛ برای کتاب‌هایی مربوط به ترینیداد نک: ف. ج. کروم، *حسی ترینیداد: برگزاری مراسم محرم در میان اقلیتی پراکنده از مردم هند و کارایی*.

نماد کربلا حماسه

یزید، که به جانشینی معاویه انتخاب شده بود، در سال ۶۰ هجری / ۶۸۰ میلادی، و بلافاصله پس از مرگ پدر زمام خلافت را در دمشق در دست گرفت و این نخستین مورد جانشینی موروثی در اسلام بود. حسین (ع) سبط پیامبر (ص) تا آن زمان به قرارداد صلحی که برادر بزرگش حسن (ع) با معاویه بسته بود وفادار ماند، اما اکنون شرایط سیاسی تغییر کرده بود. چون یزید از حسین (ع) خواست که با او بیعت کند، او از مدینه، که در آن زندگی می‌کرد، به مکه گریخت. در آنجا پیام‌هایی از مردم کوفه، شهر علی (ع)، دریافت کرد که ساکنانش به او اطمینان می‌دادند در صورتی که به آنان بپیوندد او را یاری خواهند کرد.

حسین (ع) پسرعمویش، مسلم بن عقیل، را برای ارزیابی گفتار آنان فرستاد و سپس خود همراه با گروه‌اندکی از یاران، زنان و فرزندان خاندانش، رهسپار کوفه شد. در ۲ محرم سال ۶۱ هجری (دوم اکتبر سال ۶۸۰ میلادی) سربازان یزید که از کوفه آمده بودند راه را بر آنان بستند و او را مجبور کردند که در کربلا، دشتی در کنار فرات، اردو بزنند. گفتگوها آغاز شد، اما به توافقی دست نیافتند، حسین (ع) از بیعت با یزید خودداری کرد. سربازان اموی، که آنان را محاصره کرده بودند، مانع دستیابی ایشان به آب شدند و او و یارانش از تشنگی رنج می‌بردند.

آنگاه، در روز ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری (۱۰ اکتبر ۶۸۰ میلادی)، روز عاشورا، جنگ آغاز شد. جنگ‌های تن به تن، زد و خوردها و حمله‌ها در تمام روز ادامه یافت. یاران حسین (ع) یکی بعد دیگری جان باختند، و سپس بستگانش، دو فرزندش علی (اکبر) و عبد الله (علی اصغر)، برادرزاده اش قاسم، فرزند حسن (ع)، برادر ناتنی اش عباس، عکمدار او، و دیگران همه به شهادت رسیدند. سرانجام، خود حسین (ع) که زخم‌های زیادی برداشته بود به شهادت رسید. او را سر بریدند و بر جسدش اسب تاختند. سربازان فاتح سر او، و همچنین سر دیگر شهیدان،

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۲۱

را بر بالای نیزه نهادند، و آن‌ها را نزد خلیفه بردند، و بدن آن‌ها را بر جای گذاشتند که ساکنان روستاهای اطراف آن دفن کردند.

بازماندگان نبرد را به اسارت گرفتند و به نزد حاکم کوفه، و پس از آن به کاخ یزید در دمشق بردند، و او به آنان اجازه داد به مدینه باز گردند. زینب (س) خواهر حسین (ع) و فرزندش علی (زین العابدین) (ع)، امام چهارم شیعیان،^۱ که به علت بیماری نتوانسته بود در جنگ شرکت کند، در میان اسیران بودند. مردم مدینه، همچون مردم کوفه، از اینکه حسین (ع) را تنها گذاشته بودند پشیمان شدند.

ناقلان حدیث و تاریخ نویسان، نبرد کربلا را در روایت‌های مبسوطی نقل کرده‌اند. در بین این نسخه‌ها در موارد خاصی اختلاف‌هایی وجود دارد، مانند تعداد مبارزان هر گروه؛ هر چند بر نابرابری نیروهای حاضر در جنگ همه اتفاق نظر دارند. کتاب‌های مقتل حسین (ع) از جمله این روایات است، که مشهورترین آن‌ها مقتل ابومخنف (۷۷۴/۱۵۷) است.^۲ علاوه بر آن، تمام کتاب‌های تاریخی شیعه که به نثر یا به نظم نوشته شده حماسه امامان را، به طور عام، و حماسه اهل بیت و حماسه حسین (ع) و خاندانش را، به طور خاص، نقل کرده‌اند، و در آن افسانه و حقیقت را به هم بافته‌اند.

این کتاب‌های تاریخی همزمان با مراسم سوگواری که یادآور شهادت امام و خاندانش بود رو به افزایش یافت. بر اساس روایات، این تشریفات مذهبی درست پس از شهادت حسین (ع)

۱. مادلونک "حسین بن علی بن ابی طالب (ع)"، *دائرة المعارف ایرانیکا*.

۲. نگ، برای مثال، ع. ج. حسین، "نوحه‌سرایی تاریخ و تاریخ نوحه‌سرایی" ص ۷۹ که تعداد لشکریان اموی را در بعضی روایات ۱۰،۰۰۰ و در بعضی تا ۱۰۰،۰۰۰ نفر برمی شمارد.

۳. مقتل سبکی نوشتاری است که در چهار سده اول اسلام رایج بود و مرگ‌های جابراجه را روایت می کرد. نک: سیاستیان گونتر، "کتاب‌های مقتل در سده‌های میانه اسلام" ص ۱۹۲-۲۱۲، و خالد سنداوی "سیمای حسین بن علی (ع) در کتاب‌های مقتل" ص ۷۹-۱۰۴.

در میدان جنگ مرسوم شد و در روایاتی دیگر، هنگامی که یزید بازماندگان جنگ را آزاد کرد و آنان روانه مدینه شدند، در کربلا ایستادند تا بر سر قبر حسین (ع) زاری کنند. در آنجا زینب (س) به نظم از بردارش سخن گفت، بر قاتلانش نفرین فرستاد و خطبه‌ای در رثای او ایراد کرد که حاضران را به گریه واداشت. 'بعداً در سال ۶۸۴ میلادی زیارت تواین از قبر حسین (ع) و در همان سال، قیام مختار با اسم رمز "قیام مختار" شکل گرفت. این دو نمونه اصلی دیگر انواع مراسم عزاداری مردمی بودند. این مراسم بعداً متنوع، متغیر و سازمان یافته‌تر شد. اگر رسمی به فراموشی سپرده می‌شد، رسم دیگری ظاهر می‌شد. در حقیقت هرگاه شیعیان نیرو می‌گرفتند یا قدرتی به دست می‌آوردند (به‌ویژه در دوران آل بویه و پس از آن در زمان صفویان و در دوران قاجار)، شیوه‌های مرسوم تقویت شد و روش‌های تازه‌ای نیز برقرار کردند.

مراسم پنج‌گانه عزاداری

پنج نوع مراسم عزاداری خاص وجود دارد که از آغاز ماه محرم برگزار می‌شود و در روز دهم (عاشورا) به اوج می‌رسد و بعضی در ماه صفر، تا روز اربعین، که یادآور چهلمین روز شهادت حسین (ع) است ادامه می‌یابد و به این علت که در این موقعیت‌ها مراسم محرم با دیدی وسیع‌تر برگزار می‌شود "عاشورا" نامیده می‌شود. هدف از برگزاری این مراسم زنده نگاه داشتن حماسه شهادت حسین (ع) و خاندان اوست. آنان تمام بخش‌های این حماسه تا کوچک‌ترین نکته را بازگو می‌کنند تا احساس و هیجان مؤمنانی را که بر مصیبت‌های اهل بیت و بر بی‌رحمی‌های دشمنانشان گریه و زاری می‌کنند، برانگیزند.

۱. م. ایوب، رنجی نجات بخش در اسلام، بررسی جنبه‌های عبادی عاشورا در شیعه دوازده امامی، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۲. نک: دنی، "توابون" و هاوتینگ، "مختار بن ابی عبیده ثقفی" دائرة المعارف اسلام، ویراست دوم.

۳. جین کالمرد از مراسمی مانند به خاک سپردن آدمی تا گردن نام می‌برد، که امروزه مرسوم نیست. نک: "حسین بن علی

(ع) در شیعه مردمی" دائرة المعارف ایرانیکا.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۲۳

نخستین مراسم زیارت قبر حسین (ع) در کربلاست، که از اوایل سدهٔ دهم، همراه با دعا و نیایش آغاز شد؛^۱ کسانی که توان انجام این زیارت را ندارند می‌توانند قبر دیگری را زیارت کنند مانند مرقد سیده زینت (س) در نزدیکی دمشق، یا مرقد افراد دیگری از خاندان پیامبر. دومین مراسم مجالس تعزیه است، همراه با بیان روز به روز واقعه، و چگونگی انجام این داستان. امروزه این مجالس تدوین شده و همه آن‌ها بر مبنای یک نمونه تنظیم می‌شوند: داستان‌های منظوم جایگزین مرثیه‌هایی می‌شوند که با آهنگ سینه زنی شرکت کنندگان همنوایی دارد و گاهی با وعظ و خطابه همراه است.

مدت زمانی طولانی منبع گفتار راویان کتاب روضه الشهداء نوشته حسین واعظ کاشفی (د. ۱۹۱۰ق/ ۱۵۰۵م) در سال ۱۵۰۲م بود، که یک سال پس از روی کار آمدن صفویان نوشته شد؛ این کتاب چنان تأثیری بر مراسم عزاداری داشت که راویان آن را روضه خوان و مجالس را روضه خوانی می‌نامیدند.^۲ این مجالس می‌تواند در یک خانه شخصی (که گاهی صاحبش آرزوی برگزاری چنین محفلی را دارد) یا یک جایگاه عمومی مانند مدرسه یا در مکانی اختصاصی برای تعزیه مانند حسینیه برگزار شود.

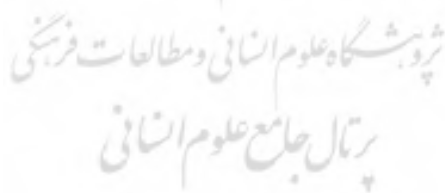
سومین مراسم مربوط به دسته‌های عزاداری (موکب حسینی) است. این مراسم از سدهٔ دهم هجری همزمان با حکومت معزالدوله دیلمی (د. ۹۶۳) آغاز شد، اما هرگاه شیعیان می‌توانستند اختلاف نظرهای عقیدتی خود را به روشنی در مقابل مردم بیان کنند از این مراسم جلوگیری می‌شد، هرچند، پس از آن دوباره مرسوم می‌شد. اعمال رنج آور، که مربوط به چهارمین مراسم می‌باشد، در این مرحله گسترش یافت، علاوه بر سینه زنی، که کم و بیش بیانی است، خودزنی

۱. نک: هوارث، شیعه دوازده امامی، اقلیتی دینی در هند، که شرح این مجالس را در حیدرآباد هند به تفصیل بیان کرده است.

۲. ع. امانت، "روضه الشهداء" نوشته حسین واعظ کاشفی ویرایش عباس امانت ... ص ۹۱.

با زنجیر یا تیغ و قمه‌زنی یا زدن با دیگر ابزار خون‌ریزی رواج یافت. و سر انجام، پنجمین مرحله، تعزیه یا شبیه‌خوانی، بیان نمایشی واقعه کربلا و مصیبت‌های اهل بیت، است که در ادامه این مراحل در دوران قاجار در نیمه، سده هجدهم رواج یافت.^۱ از آن پس این مراسم در شمار اسطوره‌های ایرانی درآمد و با حمایت نخبگان به صورتی کاملاً مردمی و به شکلی تماماً هنری مورد تأیید قرار گرفت.^۲

در هر صورت محرم ماه عزاداری است. مؤمنان باید از اظهار هرگونه شادی در این ماه خودداری کنند و لباس سیاه یا تیره بپوشند. محرم ماه‌اندوه، گریه، غم و زاری است؛ بر پایه گفته‌ای از امام علی بن موسی الرضا (ع)^۳ کسانی که عاشورا برایشان روز برکت باشد جایگاهشان جهنم است.^۳ مؤمنان نسبت به این خاندان اظهار عشق و محبت می‌کنند و بر ناکامی‌های آنان می‌گریند و بدین وسیله با حسین (ع)^۴، امام شهیدشان، عهدی دوباره می‌بندند و با او تجدید بیعت می‌کنند. در عوض از او می‌خواهند که از شفاعت خود برای رستگاری آنان دریغ نرزد؛ مکان و زمان این مراسم اختصاص به مجالس مذهبی ندارد؛ و می‌تواند در هر زمان یا مکان اجتماعی دیگری برگزار شود.



۱. نک: در این مورد جین کالمرد "رواج تعزیه، قدم‌های اوّل ناصرالدین شاه" ج ۲، ص ۷۳-۱۲۶؛ جین کالمرد، "ایران در دوران ناصرالدین شاه و دیگر شاهان قاجار"، ج ۴، ص ۱۶۵-۱۹۴.

۲. این مراسم عبادی و تعزیه خوانی در ایران با جزئیات کامل، به ویژه از طرف پی‌تر چلکوفسکی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. به نقل از نکش، "کوششی برای ریشه‌یابی مراسم عاشورا" ص ۱۶۶.

۴. م. ایوب، رنجی نجات بخش در اسلام، ص ۱۹۸ و بعد؛ دیوید پینولت، "مراسم عبادی سوگواری شیعیان و تفسیر واژه شفاعت" ص ۲۸۵-۳۰۵.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۲۵

علما و سخنوران به اتفاق، از عاشورا به اسم مدرسه‌ای فکری نام می‌برند و پژوهشگران نبرد کربلا را "ریشه یک استعاره" می‌دانند؛ که عقاید شیعه و مراسم مذهبی از آن جانی تازه گرفته است. برای شیعیان دوازده امامی این واقعه شبیه اسطوره‌ای سازنده است که هر سال دوباره برگزار می‌شود و با انجام مراسم مذهبی در قلب مؤمنان جای می‌گیرد. حماسه اهل بیت، از نظر شیعیان، تاریخی مقدس است و با بزرگداشت صفات و سنت‌های معصومان، که برترین سرمشق برای تقلید می‌باشند، از آن ارزش‌های اخلاقی و صفات انسانی می‌آموزند.

این مجموعه عبادی دوگانگی بین طهارت اهل بیت و رذالت امویان، بین دوستی و دشمنی و بین خیر و شر، را آشکار می‌سازد. این داستان مقدس، که درک و شعور گذشته، حال و آینده جامعه را می‌سازد، تابع بازخوانی‌ها و تعبیرهای متفاوتی، از نظر شرایط زمانی و مکانی، است. نماد کربلا شامل همه این مطالب است که در ذهن جمعی شیعه جای می‌گیرد، جامعه را برای اندیشیدن به خود آماده می‌سازد، شیوه شناخت را آسان می‌کند و شعور همبستگی را توان می‌بخشد. و همچنین روابط اجتماعی بین جامعه و رابطه آن با قدرت را تعیین می‌کند.

اصلاحات، سیاسی‌سازی و گفتگوی جنسیتی

این نماد ثابت نیست. مراسم عاشورا را می‌توان وابسته به سنتی پابرجا دانست که بدون تغییر از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است. اما، دست کم این روایات تا اندازه‌ای ابداعی هستند که هر سال دوباره بازسازی می‌شوند. همان گونه که پیشتر دیدیم بین سده دهم و دوران صفویان، مراسمی از بین رفتند و مراسم دیگری ظاهر شدند. در کتاب‌هایی که شامل روایات موجود بود نیز تجدید نظر و از نو نوشته شد. از آغاز سده بیستم به بعد در کتاب‌ها و در مراسم تجدید نظرهایی شده است.

۱. آقای، شهدای کربلا، ص ۱۶۳، ش ۳، او تحلیل ویکتور ترنر را به کار می‌برد.

این تجدیدنظرها ابتدا از طریق نخبگان دینی انجام شد که می‌خواستند نقش و پایگاه خود را در جامعه حفظ کنند، و با اصول اخلاقی این دوران که در اثر نفوذ افکار اروپایی شیوع یافته بود و همچنین با تحولات اجتماعی و سیاسی که در نتیجه تشکیل دولت‌هایی جدید رخ داده بود، خود را هماهنگ سازند. این تغییر حرکتی چندان سازمان یافته نبود و پیش از درگیری در پیامدهای عملی انجام مراسم عزاداری، همچون ابتکارهای فردی موجب نزاع و گاهی بحث‌های پر آشوب در بین علما شد.^۱

این نوآوری‌ها که هدف آن تجدید نظر در نوگرایی دینی بود دو جنبه داشت: گفتگویی در اشاره به بازگشت به اسلام "تاب" با زدودن خرافات و بدعت‌های نفرت انگیز؛ و سخنی در اشاره به عقل‌گرایی و نوسازی اعتقادات و اعمال دینی. از این‌رو، برای مثال، کتاب‌هایی برای خواندن در این مجالس منتشر شد. این کتاب‌ها با دقت تنظیم شده و از احادیث غریب پیراسته بود.^۲

پس از این مرحله اصلاحات، دوره تجدید همراه با جریان سیاسی سازی در بخش وسیعی از دنیای شیعه (ایران، عراق و لبنان و پس از آن به‌ویژه افغانستان) از دهه ۱۹۷۰ فرا رسید. به جز علی شریعتی، همه پیشگامان (مطهری و امام خمینی در ایران؛ امام موسی صدر در لبنان؛ محمدباقر صدر در عراق) باز هم بخشی از نخبگان روحانی، اما همه از آرمان شناس‌های مردمی (پاسداران، الدعوة، و جنبش امل لبنان و دیگران) بودند.

۱. نک: ورنر اندی، "خودزنی در محرم و علمای شیعه" ... ص ۱۹-۳۶؛ سابرینا مروین، اصلاح طلبی شیعی: علما و دانشمندان جبل عامل (لبنان جنوبی اصلی) در پایان امپراتوری عثمانی ... به ویژه فصل ۶؛ ماکس ویس، در سایه فرقه‌گرایی: قانون، تشیع و ساخت لبنان جدید، به ویژه فصل ۲.

۲. نک: برای مثال، سید محسن امین، المجالس السنیه (چاپ پنجم، نجف، بی. تا). پنج جلد اول در ۱۹۲۴ به چاپ رسید.

نماد کربلا از پیش برای فرجام‌های سیاسی به کار می‌رفت^۱ اما در حقیقت آن را به صورت ابزاری برای اعتراض و جنبش‌های مردمی برگرداندند. نظر به اینکه پیشینیان حماسه حسین (ع)^۲ را یک نهضت^۳ می‌نامیدند نویسندگان این نسل آن را «ثوره» (قیام، انقلاب) می‌نامیدند؟ حسین (ع)^۴ در برابر حکومت استبدادی با وجود قدرت لشکر دشمن از تسلیم شدن به او خودداری کرد، از این جهت آن حضرت سرمشقی است که باید از وی پیروی کرد. شریعتی برای بیان حرکت حسین (ع)^۵ به سه مفهوم متوسل شد - انقلاب، جهاد و شهادت - و در نتیجه این عبارات را به صورت گفتگوی سیاسی و مذهبی تازه‌ای بیان کرد.^۶ مطهری او را به عنوان نمونه‌ای از قیام بر ضد شاه و بر ضد نیروهای خارجی استعمارگر معرفی کرد.^۷

در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ معترضان در ایران توانستند مراسم عاشورا را با تظاهرات سیاسی وابسته کنند و بعد دیگری بر مشکلات خود بیفزایند. انقلابیون، پس از رسیدن به قدرت، از کاربرد این هدف‌های سیاسی بازماندند.^۸ در لبنان امام موسی صدر مبارزات سیاسی خود را به هنگام برگزاری مراسم عاشورا آغاز کرد، مبنای بر نماد کربلا گذاشت و سپس آن را تغییر داد. در سخنرانی مشهوری که در بعلبک ایراد کرد، چنین گفت: «اجازه ندهید این مراسم یا سوگواری‌ها جایگزین عمل شود. ما باید این مراسم را بدل به چشمه‌ای کنیم که خشم انقلابی و اعتراضی

۱. از دوران امویان و عباسیان به بعد رمزگرایی کربلا در قیام‌های مختلفی به کار رفته است. نک: آقای، شهدای کربلا، ص ۱۰.

۲. نک: کتاب اصلاح‌گرای عراقی هبه الدین شهرستانی (د. ۱۹۶۷)، نهضة الحسين (ع). لازم است گفته شود که هنوز هم بعضی نویسندگان اصطلاح «نهضت» را به کار می‌برند.

۳. نک: برای مثال، کتاب معروف شیخ محمد مهدی شمس الدین، ثوره الحسين، (ع) ترجمه به انگلیسی با عنوان شیخ محمد مهدی شمس الدین، قیام حسین (ع): تأثیر آن بر هوشیاری جامعه اسلامی [ترجمه ا. ک. هوارد] (لندن، ۱۹۸۵).

۴. آقای، «شهدای کربلا»، ص ۱۰۳.

۵. همان، ص ۱۱۰.

۶. همان ص ۱۳۱ به بعد.

شدید از آن بجوشد... اکنون اجازه دهید از شما بپرسم: اگر حسین (ع) زنده بود و با ما زندگی می‌کرد و می‌دید که حقوق مردم و عدالت پایمال فخر و افاده شده، او چه می‌کرد؟^۱.

امام موسی صدر از مراسم عزاداری محرم برای بیان روحیه‌ای انقلابی و شروع اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی در داخل لبنان بهره برد و نبرد علیه اسرائیل را «کربلای ما» نامید. در همان سال در عراق مراسم عاشورا تبدیل به اعتراضی سیاسی شد و سه سال بعد، در ۱۹۷۷، این اعتراض تکرار شد.^۲ پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سیاسی سازی شعارها و مراسم اسلامی، نه تنها در لبنان که هنوز هم به رهبری حزب‌الله^۳ بیش از پیش ادامه دارد، در دیگر نقاط دنیای اسلام مانند افغانستان^۴ و حتی تا اقصی نقاط اندونزی^۵ گسترش یافت.

در سده بیستم پدیده دیگری ظهور کرد که بی تأثیر بر نماد کربلا نبود: گفتگویی مربوط به جنسیت که دامنه آن ادامه یافت تا به جایی رسید که اکنون عقیده به برابری زن و مرد (فمینیسم) اسلامی نامیده می‌شود (هر چند این واژه تفاوت‌های بسیاری با این گفتگو دارد). عاشورا به جامعه نظم می‌بخشد؛ در این مراسم هر کس کار ویژه‌ای دارد که بازتابی از نقش او در جامعه است و یا به عبارتی دیگر هر کس وظیفه‌ای دارد که او در این مراسم به خود اختصاص داده است. علما حمایت مذهبی را بر عهده دارند، ثروتمندان کمک‌های مالی می‌کنند، مغازه داران غذا فراهم می‌کنند تا در این مراسم شریک باشند و هر کس به نوبه خود خدمتی انجام می‌دهد.

۱. سلیم نصر، «بسیج جامعه و نمادهای مذهبی: امام موسی صدر و شیعیان لبنان (۱۹۷۰-۱۹۷۵)» ص ۱۱۹-۱۵۴.

۲. چلبی ملت، «ستیزه جویی مذهبی در عراق معاصر: محمد باقر صدر و الگوی شیعه سنی» ص ۷۲۳-۷۲۴؛ فالج عبدالجبار، نهضت شیعیان در عراق، ص ۱۸۵.

۳. سابرینا مروین، «نو یاد ما را از خاطره‌ها محو نخواهی کرد» حزب الله دولت محلی، ویرایش س. مروین، ص ۲۱۳-۲۱۹.

۴. منسوتی، «بین جوشش مذهبی و فشار سیاسی: عاشورا در میان هزاره‌های کوئته (پاکستان)» ص ۱۱۳ به بعد.

۵. ذوالکفلی، تلاش شیعیان در اندونزی (رساله دکتری، لیدن، ۲۰۰۹)، ص ۱۲۰-۱۲۱.

ما در آینده، به هنگام گفتگو از تحمل این رنج‌ها، مراحل بازسازی عزیمت برای نبرد، که مردان به صورت نمادین به میدان جنگ می‌روند در حالی که زنان نقش شهید را بازی می‌کنند و می‌گیرند، به تفصیل بیان خواهیم کرد. مردان نقشی فعال بر عهده دارند و زنان نقشی انفعالی. با این حال در سده بیستم تغییرات گسترده‌ای در جوامع اسلامی رخ داد، زنان شروع به دستیابی به دانش، اماکن عمومی، استخدام و امکانات دیگری کردند، حتی اگر این در متن جامعه مورد بحث درخور سوال باشد. این تغییر بر نهادهای دینی و اجتماعی و همچنین بر نماد کربلا و مراسم مذهبی عاشورا تأثیر گذاشت.

از یک طرف درباره زینب (س)، خواهر حسین (ع) که فرزندانش را در کربلا از دست داده بود و به صورت اسیر و بی حجاب به دربار خلیفه آمد بحث‌های تازه‌ای شکل گرفت. او خطبه‌ای ایراد کرد و در آن به دفاع از جلال و عزت خاندانش پرداخت و افکار عمومی را به مخالفت با یزید برانگیخت. نمونه‌ای از فداکاری و وفاداری؛ او همچنین سرمشقی است برای پیروی در فعالیت و شجاعت، و نیز سخنوری (ناطقه‌ای) است که اندیشه خود را بیان می‌کند و در مقابل غاصبان خلافت به پا می‌خیزد و از حق اهل بیت برای جانشینی پیامبر (ص) دفاع می‌کند.^۱

از طرفی دیگر هرچند زنان از جدایی بین زن و مرد که در زمان برگزاری این مراسم مذهبی اتفاق می‌افتد سرپیچی نمی‌کنند، "جدایی از مردان را با کسب استقلال و پیوستن خود به برگزاری تعزیه در حسینیه و با استفاد از تجربیات خویش برای رسیدگی و تغییر خوداندیشی و دیدگاه‌های جهانی خود مغتنم می‌شمارند".^۲ این پدیده کاملاً مورد توجه قرار گرفته و موجب نوشتن آثار با ارزشی شده است.^۳

۱. سابرینا مروین، "فاطمه و زینب (س) دو بانوی جهان اسلام شیعی" ص ۱۱۱-۱۱۹؛ همچنین نک: آقایی، *شهادت کربلا*، فصل ۷.

۲. هگلند، "دو نیروی مخالف در مجالس زنان مسلمان"، ص ۳۹۲.

۳. نک: برای مثال، دیب، *جاذبه‌های نوین*؛ آقایی (ویراستار) *زنان کربلا*؛ هگلند، "مجالس عزاداری زنان شیعه در شمال غربی پاکستان"؛ هگلند، "دو نیروی مخالف در مجالس زنان مسلمان".

اصلاحات، سیاسی سازی و گفتگوهای جنسیتی همه، بر مراسم عاشورا تأثیر گذاشته است، تأثیری که بر حسب گروه‌های مربوط و، بنابراین، فرهنگ‌های سیاسی و دینی محلی، حتی یک گروه برطبق موقعیت‌های سیاسی و مراجع دینی خود و دیگر عوامل موجود، متفاوت است. این دو موضوع مورد بحث با ذکر مثال‌های عینی که این مسئله را اثبات خواهد کرد و سئوالات جدیدی در پی خواهد داشت بعداً گفتگو خواهیم کرد.

نمایش چهره مقدس؛ چهره‌ها و هدف‌های دینی

نمایش نبرد کربلا و چهره‌های مقدس شیعه امری عادی و بیشتر مربوط به مراسم عاشورا است. این نقاشی‌ها از نمایش‌های احساسی در ایران دوره قاجار و پس از آن ریشه می‌گیرند و در مکان‌های مختلف (مانند پرده‌های نقاشی، نقاشی‌های دیواری) در قهوه خانه‌ها، تکیه‌ها، خانه‌های شخصی و دیگر جاها دیده می‌شوند.^۱

در حکومت اسلامی نقاشی‌ها یا پوستره‌های دیگری مربوط به مکتب نمادین عاشورا تنها برای هدف‌های سیاسی به کار می‌روند.^۲ اما تمثال امامان و تصویرهای نبرد کربلا در این روزها که هنرمندان می‌توانند نگاره‌ها را با کامپیوتر، با تغییر نقش‌ها، با کم و زیاد کردن اجزائی خاص، با تغییر رنگ و غیر آن تغییر دهند، رو به افزایش نهاده است.^۳ علاوه بر این، فیلم‌ها و کارتون‌هایی نیز ساخته شده است. صورت امامان پوشیده باشد یا باز، نیز سبب بحث‌هایی شده که مورد اختلاف بین علمای دینی است.

۱. چلکوفسکی، "پرده‌های نقاشی داستانی و پرده خوانی در دوران قاجار"

۲. پی‌تر چلکوفسکی و حمید دهباشی، نمایش یک انقلاب: هنر تشویق جمهوری اسلامی ایران (لندن، ۲۰۰۵).

۳. نقاشی مشهور محمد فرشچیان، عصر عاشورا، به سرعت تکثیر و پخش شد و هنرمندانی که با کامپیوتر کار می‌کنند نیز از آن تفسیری دوباره کردند.

به علاوه، اینترنت انتشار عکس‌ها را به روش نوینی آسان می‌کند. آن‌ها معمولاً با صدا، آهنگ‌های خاص (نوحه خوانی و سینه‌زنی، لطمیات) همراهند که دامنه توزیع پیام‌های ممکن را گسترده‌تر می‌سازد. تمثال‌ها و پوسته‌های ساخت ایران به جهان شیعه راه می‌یابند؛ آن‌ها بلافاصله، با ارسال از طریق اینترنت، در سطح وسیع تری در جهان پخش می‌شوند و معیارهای زیبایی را منعکس و تکثیر می‌کنند؛ برای مثال تمثال عباس با چهره‌ای بسیار ظریف و با سیمایی تقریباً زنانه و بدنی عضلانی و کاملاً مردانه پخش می‌شود. علاوه بر این او "صفتی" دارد که داستان او را در کربلا بازگو می‌کند؛ او کلاه‌خودی آراسته با پر بر سر دارد، چشمش زخمی شده، پرچمی در دست دارد و کمربندی چرمین بر کمر. او چون دیگر قهرمانان کربلا این گونه نماینده شده تا مؤمنان به سادگی او را بشناسند.

عوامل دیگری در معرفی کربلا دیده می‌شود که اشاره به مفهوم آن دارد، ذوالجناح، اسب حسین (ع)، تربت کربلا، آب فرات. عناصر نمادین دیگری به قهرمانان کربلا و چهره‌های مقدس شیعه اشاره دارد، مانند سر حسین (ع) (که با عمامه اش نشان داده می‌شود)، پرچم او، مرقد حسین (ع) و زیارتگاه‌های دیگر شهدا، گهواره کودک شیرخوارش، "الطفل الرضيع"،^۲ کشتی نوح، دست عباس (کف العباس) و یا دست پنج تن آل عبا (پنجه).^۳ این تمثال‌ها، تصویرها و نمادها که ریشه در فرهنگ ایرانی دارد به جهان شیعه راه یافته است. انتشار این فرهنگ، خواه اصل آن مورد قبول یا بازآفرینی و تغییر یافته باشد، بعدها به طور موضعی یک پارچه درآمد.

۱. علی (ع) عباس را مسول حفاظت حسین (ع) قرار داد. عباس علمدار حسین (ع) و نمونه ای از شجاعت بود. هنگامی که برای آوردن آب برای فرزندان حسین (ع) رفته بود در کمینگاهی گرفتار شد، و زخم‌های زیادی برداشت و پیش از آنکه به شهادت برسد هر دو دستش با حمله کمانداران قطع شد.

۲. این کودک زمانی که حسین (ع) او را در بغل گرفته بود با اصابت تیری به شهادت رسید.

۳. پیامبر (ص) در حدیثی فرمود: "مَثَل اهل بیتم در بین شما همانند کشتی نوح در میان قوم نوح است، هر کس سوار بر آن شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند غرق می‌شود."

نمایش چهره‌های مقدس در اسلام موضوعی پیچیده است و موجب بروز آرای متفاوت از نظر علمای دینی و رفتارهای مختلفی شده است. چگونگی انتشار این عکس‌ها در جهان تشیع نشان می‌دهد که گروه‌ها یا جوامع شیعه مورد نظر گاهی واکنشی غیر منتظره نشان داده‌اند. بدین سان، با آنکه دنیای عرب سنی به بت شکنی و پاره کردن شمایل شهرت دارد، شیعیان خاورمیانه این تصویرها را در هر کجا که پخش شده باشد، در کنار مسجدها و زیارتگاه‌ها (مخصوصاً زیارتگاه‌های عراق و سوریه) یا در مغازه‌ها پذیرفتند.

به عکس، در حیدرآباد، در جامعه‌ای که هندوها و مسلمانان با هم زندگی می‌کنند و در جامعه‌ای که نمایش خدایان هندو به حد افراط می‌رسد، این تمثال‌ها در بازار دیده نمی‌شود. هرچند تندیس‌های کوچکی از قبر (زاری)، یا از گهواره و بالاتر از همه علم، که محور اصلی اعمال مذهبی و مراسم عاشورا می‌باشد، مرسوم است. ازین رو استفاده از نمادها در هند بسیار متداول است، در صورتی که کاربرد تمثال‌ها در آنجا رواج زیادی ندارد و شبیه‌خوانی در آنجا مرسوم نیست. و این برعکس خاور میانه است که اشیاء مذهبی در آن رواج کمتری دارد، اما در ترکیه تا عمان، شبیه‌خوانی وارد شده از ایران کاملاً مرسوم است.

علم‌های حیدرآباد

این علم‌ها نمادهایی هستند که همه قهرمانان و شهیدان اصلی کربلا را، که عضوی از این خاندان مقدس بودند: حسین (ع)، برادرش عباس، دو پسرش علی اکبر و علی اصغر، برادرزاده اش قاسم، دخترش سکینه (بعد از واقعه کربلا در دمشق درگذشت)، خواهرش زینب و دو پسر او را نمایش می‌دهند و فاطمه (س) که چهره اصلی است، هرچند پیش از این واقعه درگذشته بود. توسل جستن به نام او به معنای توسل جستن به تمامی این خاندان است.

۱. درباره اشیاء و نمادهای مذهبی دیگر در سایر بخش‌های هند نک: س. ا. رضوی، تاریخ فکری اجتماعی شیعیان اثنی

بعضی از این علم‌ها، از جمله قدیم‌ترین آن‌ها یادگارهایی را در بردارند. به گفته نقوی، مورخ، این‌ها همان نمونه‌های معمولی مورد قبولی هستند که امام حسین (ع) در واقعه کربلا آن را بر دوش داشت؛ دیوید پینولت معتقد است آن‌ها «نمونه‌هایی از علم‌ها یا پرچم‌هایی هستند که شهیدان کربلا آن‌ها را حمل می‌کردند».^۲ اختلاف بین این دو نویسنده بر تردید در این روند، که در دست داشتن علم را به چند نفر نسبت می‌دهد، تأکید می‌کند.

بر روی علم‌هایی خاص نام کسانی که علم به آن‌ها منسوب است نقش شده، اما همه علم‌ها چنین نوشته‌ای ندارند و اگر در این مورد سوال شود، صاحبان آن بدون شک جواب می‌دهند که می‌دانند هر علمی منسوب به چه کسی می‌باشد زیرا خبر آن دست به دست به آن‌ها رسیده است.^۳ داستان ورود آن‌ها کاملاً مبهم است؛ صاحبان علم‌ها می‌گویند خاندانشان هنگامی که دو یا سه سده پیش در دکن ساکن شدند آن‌ها را از ایران، عراق و لکنهو آوردند.^۴

در مورد این علم‌ها دانشی فنی گسترش یافت که شامل روشی پیچیده بود؛ آن‌ها فلزی هستند (برنز، نقره و مخلوطی از طلا برای گرانباترین علم‌ها) و آراسته با طرح‌هایی (پنجه، سر یک اژدها، سر یک نهنگ، شمشیر علی (ع) و غیر آن) یا با خوشنویسی، و هر یک از این موضوع‌ها نام خاص خود را دارد.^۵ بعضی از آن‌ها با سریش چوب صندل پوشیده شده‌اند.

۱. صادق نقوی، عاشورخانه‌های شهر حیدرآباد، (حیدرآباد ۲۰۰۶ آ)، ص ۱۰.

۲. دیوید پینولت، مراسم مذهبی شیعه و پارسیایی مردمی در جامعه ای اسلامی، ص ۸۰.

۳. پیمایش، حیدرآباد، دسامبر ۲۰۰۹.

۴. نقوی، (حیدرآباد ۲۰۰۶ ب)، ص ۱۶۰، این گفتار مربوط به حیدرآباد است. در مورد شمال هندوستان، به نقل رضوی، علم و دسته راه انداختن را ممکن است یکی از اوکیای صوفیه در آغاز سده پانزدهم میلادی بیان کرده باشد؛ نک: رضوی، تاریخ فکری اجتماعی، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۵. همان، ص ۸۱.

۶. نقوی، عاشورخانه‌های شهر حیدرآباد، (حیدرآباد ۲۰۰۶ آ)، ص ۱۱-۱۶ و تصویری از این موضوع، ۲۰.

عَلَم‌ها در صندوقی چوبی در عاشورخانه، اصطلاحی به معنی حسینیه، نگاهداری می‌شوند؛ و در اندازه‌های مختلفی دیده می‌شوند. بعضی بیش از حد تزیین شده‌اند و بعضی دیگر ساده‌ترند، تعدادی از آن‌ها همگانی هستند و تعدادی متعلق به خاندان‌های خاصی می‌باشند. بعضی از آن‌ها جایگاه‌هایی هستند که گاه و بیگاه به صورت عبادتگاهی در آمده‌اند. بر اساس پیمایشی، در حقیقت ۹۲ درصد خانواده‌های شیعه در حیدرآباد هر یک صاحب عَلَمی در خانه‌های خود هستند.^۱ هر خانواده‌ای، بسته به موقعیت اجتماعی و وضعیت مالی خود، از خاطرۀ این اشیاء حمایت و برای گشودن در به روی بیگانگان، برای تزیین آن و برگزاری مراسم عزاداری، از روش خاص خود پیروی می‌کند.

در روز اوّل محرم، عَلَم‌ها را از صندوق‌ها بیرون می‌آورند و آن‌ها را در لفافه یا پارچه رنگینی می‌پوشانند و به نمایش عمومی می‌گذارند. با نزدیک شدن روز دهم، مردم هرچه بیشتری برای دیدن آن‌ها می‌آیند و در یکی از عاشوراخانه‌های عمومی، مانند یک «بیبی کا الو» یا «بی بی کا علم» (یکی از مراسم سنتی شیعیان در حیدرآباد هند که به یاد حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر اسلام (ص) و به مناسبت ماه محرم برگزار می‌گردد)،^۲ گروه انبوهی از مردم هجوم می‌برند تا خود را به قدس الاقداس، یعنی جایگاه عَلَم‌ها برسانند و مراتب وفاداری خود را به این عَلَم ابراز دارند و آن را لمس کنند.^۳

مؤمنان تاج گل‌هایی می‌آورند که به عنوان هدیه بر روی عَلَم بگذارند و دستبندهای پلاستیک خود را با چرخاندن به عَلَم متبرک می‌سازند. با بستن نوار قرمزی به دور کمرشان

^۱ ندیم حسین و ابرار حسین، شیعه و تشیع/اسلامی در هند ... ص ۱۴۶-۱۴۸.

^۲ نک: <https://en.wikipedia.org/wiki/Bibi-Ka-Alam> (با تشکر از نویسنده محترم مقاله).

^۳ غیر مسلمانان نیز پذیرفته می‌شوند، اما آنان نمی‌توانند وارد این مکان مقدس شوند چون نجاست آن‌ها هنگام دست زدن به عَلَم ممکن است آن را آلوده سازد؛ بخشی از صحن اختصاص به آن‌ها دارد که می‌توانند عود یا گل‌های معطر بسوزانند.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۳۵

آن‌ها مطمئن می‌شوند که عَلم - و چهره مقدسی که عَلم منسوب به اوست - از آن‌ها محافظت می‌کند. آن‌ها آرزو می‌کنند و درخواست شفاعت این شخصیت مقدس را دارند.

روز هفتم منسوب به قاسم "داماد کربلا" و نامزدی او با فاطمه دختر حسین (ع) است؛ در اینجا، پیش از عزیمت او به میدان نبرد و شهادتش آن‌ها مراسم یادبود آن را بر پا می‌دارند.^۱ مجلس بزرگی برگزار می‌شود و خانواده‌ای از اشراف قدیم شهر از آن حمایت می‌کنند. بعد از برگزاری مراسم، عَلم قاسم را در میان جمعیت به نمایش می‌گذارند؛ مردان بر روی دست‌های گشاده شان از خانه (حنا، میوه و شمع) برای هدیه به داماد می‌آورند و به زحمت از میان جمعیت عبور می‌کنند زیرا هرکسی می‌خواهد دستش را به عَلم و به پیشکشی‌ها برساند.

سپس مراسم ماتم برگزار می‌شود که بعداً به شرح آن می‌پردازیم. مردان از حیاط خارج می‌شوند، اما زنان در طول برگزاری مجلس به ناچار در حیاط می‌مانند. مردان پارچه سفیدی پر از لکه‌های قرمز می‌گیرند و آنگاه از حیاط، که در این هنگام پر از گروه زنانی شده که از بیرون آمده‌اند، خارج می‌شوند. عَلم را با خود می‌برند و آن را برپا نگاه می‌دارند و در حالی که می‌گیرند آن در پارچه می‌پیچند. پس از آن با صف‌های منظم به طرف حیاط می‌روند. عَلم را، پیش از آنکه مراسم را با نوحه به پایان برسانند، در جای اولش بر زمین می‌گذارند.^۲

لازم است گفته شود که پینولت براساس مشاهده اش در سال ۱۹۹۱ این مراسم را توصیف می‌کند، این آداب مذهبی به وسیله مردان برگزار می‌شود؛ احتمال دارد که زنان از آن زمان این مراسم را متناسب با وضع خود تغییر داده باشند. بدین گونه، این مجلس دامادی قاسم، شهادت

۱. درباره آداب و مراسم "دامادی قاسم" در مقاله کارن رافل، "کربلا در انگاره‌های هند و پارسیان: هندی سازی عروسی قاسم و فاطمه کبری" ... ص ۱۳۳ گفتگو شده است.

۲. حیدرآباد (۲۵ دسامبر ۲۰۰۲).

و به خاک سپردن او را بازگو می‌کند.^۱ در نقاط دیگر، عَلم نشانه‌ای از قاسم است، شخصی در مراسم عزاداری او را مجسم می‌کند "نقش او را بازی می‌کند".

در غروب چند روز دیگر پیش از عاشورا، مردم بزرگ‌ترین عَلم عاشوراخانه را در داخل شهر به دوش می‌کشند. روز نهم محرم اختصاص به عَبّاس دارد از این رو صحن "بارگاه (حسینیه) حضرت عَبّاس"^۲ پر از مؤمنانی است که برای عرض ارادت در آن جمع شده‌اند. در این حرکت دسته جمعی مردم سه عَلم بر دوش دارند. عَلمداران، با پارچه‌های سفید به دور کمرشان، دو عَلم دیگر را بر می‌دارند و پس از آن عَلم باقیمانده را، که بزرگترین عَلم و منسوب به عَبّاس است، بلند می‌کنند.

اثری باستانی - قطعه‌ای از زره او^۳ - بر این عَلم بسته شده که با سریش چوب صندل آن را پوشانده‌اند. علاوه بر پارچه‌های سبز و قرمز آن را در پارچه سفیدی پیچیده‌اند و به نظر می‌رسد که تمثالی برجسته است. مؤمنان برای دست زدن به آن به یکدیگر تنه می‌زنند و می‌گریند. عَلم را پیش از بردن به خیابان چند دور در حیاط می‌گردانند و بالای سر جمعیت نگاه می‌دارند.

روز بعد هنگامی که مردم در "بیبی کا حلوا" به عَلم فاطمه (س)، که بر پشت فیلی نهاده شده و تا غروب، دسته عزادار را رهبری می‌کند، دست می‌یابند شور و التهاب بیشتری دیده می‌شود. هنگامی که عَلم را از عاشورخانه بیرون می‌برند جمعیت فریاد می‌زند و بعضی از مردان با تیغ سر خود را می‌شکافند. عزیمت عَلم نشانی از عزیمت به سوی میدان نبرد و در نتیجه شهادت

^۱. از اواخر سال ۱۹۹۰ به بعد مجلسی شبیه به این در عاشورخانه ای عمومی برپا شده است. برای شرح آن نک: سید اکبر

حیدر، *احیاء کربلا: شهادت در یاد مردم آسیای جنوبی*، ص ۵۵.

^۲. با تشکر از نویسنده محترم مقاله.

^۳. در مورد این عاشورخانه، نک: نقوی، *عاشورخانه‌های شهر حیدرآباد*، ص ۷۱.

است. وقتی عَلم بر می‌گردد، او "مرده" است و تا سال بعد در جای خود قرار می‌گیرد، حکایت از به خاک سپاری دارد. عَلم در اینجا به معنای جایگزینی برای چهره‌های مقدس به کار می‌رود. آن را نمایش می‌دهد، مجسم می‌کند و بنا به گفته مارک اوژه آن "شیئی خدایی" است.^۱ در حیدرآباد تعزیه‌ای برای مصیبت کربلا دیده نمی‌شود. یکی از کسانی که در این مورد با او مصاحبه کردم آن را "اِشتباه" می‌دانست. رسم عَلم که از ایران آمده "پیوند"ی مذهبی است که در حیدرآباد و بیشتر جنوب شرقی آسیا "گرفت" و در جاهای دیگر به‌ویژه در لبنان تعزیه به کامل‌ترین شکل بیان برقرار شد. به علاوه باید توجه داشته باشیم که این شکل بیان از دیگران اقتباس شده و آن را غیر اسلامی توصیف کرد.

مصیبت کربلا، پیوند مذهبی

در دوران امپراتوری عثمانی شیعیان اجازه نداشتند مراسم عزاداری خاص شیعه، مخصوصاً مراسم مربوط به عاشورا، را برگزار کنند. بنابراین، در جبل عامل (جنوب لبنان امروز) این مراسم محدود به مجالس کاملاً خصوصی بود، تا سال ۱۸۸۰ که عالمی از نجف آن را به شیوه مراسم عراق سازمان دهی کرد. تا سال ۱۸۹۵ ایرانیانی که در آن نزدیکی زندگی می‌کردند مراسم خاص خود، به‌ویژه در مورد اجرای مراسم کربلا، را به جا می‌آوردند. یکی از عالمان آن‌ها را از انجام این کار بازداشت. آنان از مقامات عثمانی اجازه خواستند و او درخواست آنان را پذیرفت، از این رو توانستند دسته‌های عزاداری برپا کنند که در ضمن آن به خودزنی و معرفی واقعه کربلا نیز می‌پرداختند. مردم جبل عامل، به رغم احتیاط و نهی بعضی از عالمان که این مراسم را بدعت می‌دانستند، به آنان پیوستند و به تدریج این مراسم مذهبی رواج یافت.

^۱. مارک اوژه، شیئی خدایی.

در آغاز، این تعزیه‌ها نمایش‌های کوتاهی بودند همراه با کاروانی سواره، چادرهایی به آتش کشیده و زنانی اسیر بر پشت شترها؛ با نمایشی بدون سخن و مردم به جای اجرا بیشتر نقش آن‌ها را تقلید می‌کردند. در نبطیه، شهری تجاری در جبل عامل، شیخ عبدالحسین صادق از این تعزیه‌خوانی‌ها حمایت می‌کرد. این تعزیه‌های کوتاه که تا آن زمان در ایران برگزار می‌شد به عربی ترجمه و در سال‌های ۱۹۳۰ متن تعزیه اصلی نوشته شد.

از آن تاریخ بازنمایی عاشورا از مراسم برجسته این تعزیه‌خوانی‌ها در نبطیه و دیگر روستاهای جبل عامل است و در تعزیه‌ها بر روی صحنه می‌رود. ^۱ تعزیه "ایرانی" ^۲ به صورت "لبنانی" درآمد. آن‌ها ویژگی‌های خاص خود در مورد تصویرها و پرده‌های نمایشی (بدون صحنه‌ای در گرداگرد، اما با صحنه‌هایی چوبی همراه با پشت صحنه‌ها، پایه‌ها و پرده‌ها) را دارند، و آمیخته از وهم و نماد در سازمان دهی تعزیه و غیر آن به کار می‌روند.^۳

علاوه بر آن، نقش زنان را زنان برعهده دارند (در ایران نقش زنان را مردان بازی می‌کنند). گاهی چهره‌های شخصیت‌های مقدس، مانند حسین (ع) و زین العابدین (ع) پوشیده است و مردم نمی‌توانند این صورت‌ها را بشناسند، هرچند گاهی این چهره‌ها باز است و این بستگی به مقام مذهبی دارد که ناظر بر کار تعزیه است.

در اواخر سده نوزدهم، در دمشق چنین مراسمی برپا شد که پایه‌گذار آن ایرانیان بودند.^۴ اما در دهه ۱۹۲۰ سید محسن امین (د. ۱۹۵۲) مجتهدی که مرجع تقلید جمعیت کوچکی از شیعیان سوریه بود شروع به ایجاد اصلاحاتی در مراسم عاشورا کرد. او در سازمان مجلس

^۱. سابرینا مروین، *اصلاحاتی شیعی*، ص ۲۴۵-۲۴۸.

^۲. اشاره من به شارل ویلورو، *نمایش ایرانی و نمایشنامه کربلا* است.

^۳. سابرینا مروین، "تعزیه خوانی شیعیان در جنوب لبنان: نمایش کربلا و سبایا" ص ۳۲۷.

^۴. سابرینا مروین، *اصلاحاتی شیعی*، ص ۲۴۸-۲۴۹.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۳۹

تعزیه تغییرات زیادی داد، قوانین جدیدی تنظیم و آن را به روشی امروزی درآورد. علاوه بر آن او دو گونه از مراسم را تحریم کرد: خودزنی (به طوری که بعداً خواهیم دید) و شبیه‌خوانی را به این علت که بعضی از مردان در صحنه لباس زنان می‌پوشیدند و دیگر آنکه زنان سر برهنه نقش بانوان خاندان نبوت را برعهده داشتند.^۱ از نظر او، این سبب بی‌احترامی به این خاندان مقدس بود.

جامعه شیعی دمشق برای مدتی طولانی از فتوای سید محسن امین پیروی کرد. پیش از آنکه زینبیه دمشق به صورت مرکزی شیعی جهانی درآید و مورد حمایت دولت سوریه قرار گیرد،^۲ نخستین نمایش کوتاه دوباره اجرا شد. در صبح عاشورا شما می‌توانید در کنار مرقد زینب در یک میدان فوتبال بازیگران و اسب سوارانی را ببینید که سوارکاران لشکر اموی را نمایش می‌دهند که اردوگاه حسین (ع) را آتش می‌زنند و بازماندگان واقعه کربلا را به اسارت می‌برند.^۳ در لبنان دهه ۱۹۷۰، آن گونه که ما دیدیم، مراسم عاشورا به رنگ سیاسی درآمد، اما نخستین و بیشترین تیراندازی از طرف اسرائیل بود که در سال ۱۹۸۲ به ساخت بازی‌های خاصی حمله کرد. در روستای «مجدل سلم» دو مرد تصمیم گرفتند صحنه عاشورا و اربعین را برای روبرو شدن با اشغال دشمن نمایش دهند. یکی از آنان در عملیاتی اسرائیلی در سال ۱۹۹۳ کشته شد و دیگری سعی کرد بر کار نمایش نظارت کند، اما آن را محدود به نبرد کربلا ساخت و صحنه موکب السبایا (کاروان اسیران) را که بازگوی حماسه بازماندگان کربلاست نشان داد.

۱. سید محسن امین این مسئله را به روشنی در *در رساله التنزیه* خود بیان کرد. نک: همان ص ۲۵۷ و صفحات بعد در باره ستیزه‌هایی که اندیشه‌های او به آن دامن زد. برای شرح بیشتری در مورد زنان نک: ماکس ویس، «فرهنگ سیاسی نوگرایی شیعه: اخلاق و جنسیت در اوایل سده بیستم لبنان» ص ۲۴۹-۲۷۰.

۲. سابرینا مروین، «زینبیه: حومه دمشق یا شهر جدید مقدس شیعیان» ص ۱۰۹-۱۲۵.

۳. من این را برای نخستین بار در ۲۰۰۲ دیدم.

صحنه نبرد کربلا در روستاهای دیگر، مانند حبشیت بر روی صحنه می‌رود. در کفرکلا نمایش کاروان اسیران در طول سال در خود روستا نشان داده می‌شود، اما افراد گروه گاهی برای نمایش آن به روستاهای نزدیک نیز می‌روند. ساکنان یک روستا، بیشتر زیر نظر یک روحانی کم و بیش فعال بر این نمایش‌ها نظارت دارند. بازیگران حرفه‌ای نیستند و پولی به آنان پرداخت نمی‌شود، بلکه باید پول لباس خود را هم بپردازند. آن‌ها این کار را برای حسین (ع) و پاداش اخروی انجام می‌دهند.

بازیگری چنین می‌گوید: "وقتی این کار انجام شود، ما چکی برای کار خیر (چک حسنات) دریافت می‌کنیم." بازی کردن این نقش‌ها نه تنها موجب کسب تجربه بازیگران در زندگی اجتماعی و خوش رفتاری در جامعه می‌شود، بلکه آنان از تجربه‌ای معنوی نیز برخوردار می‌شوند. بانوی بازیگری احساس خود از پایان یک بازی که در آن نقش زینب (س) را ایفا می‌کرد به یاد می‌آورد. "هنگامی که بازیگران رسیدند و امام حسین (ع) روی زمین نشسته بود، حضرت زینب (س) به او نزدیک شد. من دیگر نتوانستم روی پا بایستم. و در حال غش کردن بودم... شروع به لرزیدن کردم و گفتم من دقیقاً احساس می‌کنم که در زمان کربلا زندگی می‌کنم!"

حاضران در مجلس که اغلب سطر به سطر نمایشنامه را از بر دارند هنگامی که برخوردهای نمایشی انجام می‌شود گویا این نخستین بار است که این صحنه را می‌بینند و شروع به گریستن می‌کنند. این گونه شبیه‌خوانی همچون آدابی دینی برجای می‌ماند. در سال‌های اخیر اجرای تعزیه خوانی در نبطیه هر چه بیشتر تخصصی و اغلب موضوعی برای کارگردانان مشهور

^۱ هر دو مصاحبه بر مبنای اسناد کاروان اسیران: نمایشی حزن انگیز (۲۰۰۶) زیر نظر سابرینا مروین، تهیه شده در CNRS

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۴۱

حرفه‌ای شده است، به‌ویژه با واگذاری آن به مجریان باتجربه؛ برگزار کنندگان سعی می‌کنند رضایت خاطر حاضرانی را که خارج از حوزه مؤمنان هستند جلب کنند.^۱

علاوه بر این، حزب الله آن را بیشتر به صورت سیاسی و ابزاری برای مراوده و بسیج درآورده است. حزب الله، نمایش‌هایی در مدارس بر روی صحنه آورده و علاوه بر صوت و نور، تصویرهای متحرکی تولید کرده است که نبرد کربلا را نشان می‌دهد و در سال ۲۰۰۶ نسخه جدیدی از آن را به نمایش گذاشت. بعد از جنگ با اسرائیل این نمایش روزآمد و متناسب با دی. وی. دی. سینمایی شد. اصل اخلاقی این بود که گذشته را با حال درآمیزند، صحنه‌های تعزیه خوانی را به تصویرهای سینمایی تبدیل کنند، تماشاگر را از نبرد کربلا، اسب‌ها و چهره‌های مقدس به پایداری اسلامی، نظرپردازان و رزمندگان آن هدایت کنند. عنوان نمایش برگرفته از خطاب زینب (س) به یزید بود: "تو یاد ما را از خاطره‌ها محو نخواهی کرد (فَوَاللَّهِ لَا تَمَحُّوا ذِكْرَنَا)" این سخن، که شعار حزب الله شد، بیانی همگانی در تمام جوامع شیعی است که نقش یادبودی مراسم کربلا را به طور خلاصه بیان می‌کند: تا در خاطره مردم بماند و موجب بقای آن در در جامعه‌ای فرضی شود.

خون‌ریزی در راه حسین (ع)، "نمایش‌های خونین"

نخستین گزارش‌ها از مراسم خودزنی شیعیان به نیمه اول سده هفدهم باز می‌گردد. با وجود تأیید آن در قفقاز و آذربایجان، این مراسم پیش از رسیدن به بخش‌های مرکزی و شمالی و همچنین عراق، نخست در بخش‌های شمالی کشور در سده نوزدهم رواج یافت؛ و در مشرق

۱. مروین، "تعزیه خوانی شیعیان در جنوب لبنان: نمایش کربلا و سبایا"، ص ۳۳۱-۳۳۳.

به هندوستان رسید و در آنجا پای گرفت.^۱ مسافران، سیاستمداران و بعدها دانشمندان در بازگویی این مراسم کوتاهی نکردند. صدمه دیده از خون عزاداران و جمعیت مشتاق.

بدین گونه در دهه ۱۸۳۰ یکی از کارگزاران بریتانیایی، مسلمانانی را دید که "از یادآوری حوادث واقعاً حزن‌آور کشتار دسته جمعی اولاد پیامبرشان به سرحد دیوانگی رسیده بودند..." به سینه می‌زدند، و بنا به گفته او "آنان آماده بودند که خودشان را نیز بکشند و به دنبال بهانه‌ای بودند تا هر شخص دیگری را نیز به قتل رسانند".^۲ آکنت دوگوبینو (د. ۱۸۸۲)، در دهه ۱۸۶۰ به ایران نامه نوشت: "بربرها خودزنی با زنجیرهایشان را آغاز می‌کنند... خون می‌ریزند و جمعیت سربلند است و می‌گرید، ستایش‌ها بیشتر و گسترده‌تر می‌شود..."^۳

اوژن اوین (د. ۱۹۳۱)، ۴۰ سال بعد نوشت: "مردمان عجیبی در کناره ازدحام کرده‌اند: همه جمع شده، به هم فشار می‌آورند و مانند آدم‌های مست تلوتلو می‌خورند. مردان پابره‌نه و سفیدپوش سرهای تراشیده خود را با شمشیر می‌شکافند. خون از آن جستن می‌کند و صورت و لباس سفیدشان را رنگین می‌سازد..."^۴ در ۱۹۱۲-۱۹۱۳ کاظم الدجیلی این مراسم را مشاهده کرد و آن را به تفصیل در مجله لغت العرب نوشت.^۵

در نیمه دهه ۱۹۵۰ بانویی آمریکایی به نام الیزابت فرنی، همراه با زنان دهکده‌ای که در آن زندگی می‌کرد، به سفر کربلا رفت. چندی بعد او دسته‌های عزاداری را که دیده بود و ستایش

۱. اعمال خودزنی در اوده در سال ۱۷۸۴، هنگامی که کسی به جز نواب آصف الدوله دست به خودزنی نزده بود، مورد تأیید است. نک: خوان کول، ریشه‌های تشیع هندی در ایران و عراق... ص ۱۰۲.

۲. دیوید پینولت، مراسم مذهبی شیعه و پارسایی مردمی در جامعه ای اسلامی، ص ۶۴.

۳. گوبینو، فلسفه و ادیان آسیای مرکزی، ص ۳۷۷-۳۷۸.

۴. اوژن اوین، ایران امروز، ص ۱۶۷.

۵. نک: مروین، اصلاح طلبی شیعی، ص ۲۴۱-۲۴۲.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۴۳

همزمان گروه‌های عزادار را بازگو کرد.^۱ این مراسم هم اکنون نیز مورد توجه تاریخ نگاران و مردم شناسان، به‌ویژه دیوید پینولت، می‌باشد. او این مراسم گروه‌های خودزنی در حیدرآباد را به دقت بررسی کرد.^۲

این اعمال خودزنی نه تنها از جانب شیعیان به ناحیه دیگری منقل می‌شود، بلکه این مراسم از آداب و رسوم محلی نیز ریشه می‌گیرد. از این رو، بر حسب موقعیت، روش‌های کم و بیش گوناگونی مانند قمه‌زنی (تطبیق) با استفاده از لبه کارد، شمشیر و لبه تیغ، یا با زنجیر کوبیدن بر سینه و پشت، شهرت و گسترش یافت. هدف مؤمنان این است که غم و اندوه، محنت و همدلی خود را برای شهادت حسین (ع) بیان کنند و نشان دهند که آنان آماده‌اند در راه او جان سپارند. برای انجام این کار بعضی خود را به سینه زدن (لطم) همراه نوحه‌ای محدود می‌کنند که بنا بر رسم محلی که به تدریج بر شدت آن افزوده می‌شود و پوست بدنشان به رنگ قرمز درمی‌آید.^۳

گروهی ابزارهای دیگری برای زخمی کردن یا شکافتن بدن خود برای خون‌ریزی به کار می‌برند - و در حسینیه‌ها، اطراف زیارتگاه‌ها و در خیابان‌هایی که عزاداران در آن گام بر می‌دارند خون ریخته می‌شود. این نمایش‌های دیدنی از رویارویی با عکس‌العمل‌هایی از طرف حوزه‌های دینی یا مقامات سیاسی سنی در امان نیستند. در سال ۱۹۲۷ نظام حیدرآباد در لکهنو طی فرمانی زنجیر زدن به سینه و پشت و خودزنی با تخته‌های میخدار در قلمرو خود را ممنوع کرد.^۴ در امپراتوری عثمانی، شیعیان تبعه باب عالی اجازه نداشتند مراسم معمولی محرم را انجام دهند.

۱. الیزابت فرنی، مهمان شیخ: آداب و رسوم روستایی عراقی، ص ۲۴۲-۲۴۴. الیزابت فرنی در آن زمان همراه شوهرش ربرت فرنی مردم شناس بود؛ بعداً خودش علاوه بر فیلمبردار یک مردم شناس شد.

۲. دیوید پینولت، مراسم مذهبی شیعه و پارسایی مردمی در جامعه‌ای اسلامی، بخش ۳.

۳. مروین، "گریه و زاری شیعیان"، ص ۱۰۶-۱۶۱.

۴. جان نورمن هولیستر، "جامعه شیعی در هند امروز"، ص ۱۷۲.

اما از دهه ۱۸۷۰ به بعد جامعه ایرانیان استانبول که بیشتر مراسم سالانه خود را در ولید خان (جایی نزدیک بازار بزرگ استانبول که مغازه داران ایرانی بیشتر در آنجا بودند)^۱ برگزار می‌کرد توانست حرکت در صف‌های منظم دسته‌های عزاداری مانند آنچه در مجالس عزاداری در ایران برگزار می‌شد به این مراسم بیفزاید.^۲ در طول "مراسم خونین سالانه" در سال ۱۸۸۶ خودزنان در حالی که زنجیر می‌زدند همراه با عزادارانی سفید پوش که جامه‌هایشان از خونی که به علت قمه‌زدن از سرشان می‌جوشید رنگین شده بود با حرکاتی منظم در خیابان‌ها به راه افتادند.^۳ مقامات آنکارا در سال ۱۹۲۸ برگزاری مراسم محرم در استانبول را ممنوع کردند، اما دوباره در سال ۱۹۸۰ برگزار شد.^۴

کوشش‌هایی برای تحریم

پس از سقوط امپراتوری عثمانی، شیعیان توانستند هویت خود را بی‌پرده نشان دهند و این مراسم به‌ویژه در عراق، لبنان و حتی سوریه در اطراف مرقد حضرت زینب (س) برگزار شد. همراه با این مراسم آشکار، همراه با جهانگردان و دیگر کسانی که آشنایی با تشیع و سنت خون‌ریزی نداشتند و پس از آن همراه مردم محلی که رسومی که از طریق مسافران رسیده بود، برگزیده بودند،^۵ نخستین اعتراض از طرف علما برخاست که می‌خواستند مراسم خودزنی را

۱. با تشکر از نویسنده محترم مقاله.

۲. اریکا گلاسن، "مراسم محرم (آذری) در استانبول در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم"، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۳. کسنین بیک، شرارت شرق یا حقایقی درباره ترکیه، ص ۱۴۹.

۴. زاکرون، تبری، "جمعیت شیعیان ترکیه در زمان معاصر" در جهان شیعه و ایران، ویرایش سابرینا مروین، ص ۱۴۰.

۵. برای مثال در سال ۱۹۱۳ در عراق کاظم الدجیلی خاطر نشان کرد که پیش از پایان قرن خودزنی به وسیله ترکمن‌ها، درویشان، ایرانیان، کردها، اما نه به وسیله عرب‌ها مشاهده شده است. در سال ۱۹۱۹ یکی از مأموران بریتانیایی در گزارشی یادآوری کرده بود که صدها نفر را در نجف دیده که قمه می‌زدند، اما بیشتر آنان ترک و ایرانی بودند. این اعمال مخصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم در بین مردم رواج یافت.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۴۵

ممنوع کنند. اسد الله مامقانی در استامبول، مهدی قزوینی (د. ۱۹۳۹) در بصره، و به‌ویژه سید محسن امین (د. ۱۹۵۲) در دمشق مراسمی که بر مبنای خون‌ریزی بود محکوم کردند و آن را بدعتی سزاوار سرزنش دانستند.

از آنجا که این مراسم بخشی از عباداتی نبود که در فقه اسلامی برای آن بایی گشوده شده باشد، نمی‌توانست مورد گفتگوهای معیاری قرار گیرد. بنابراین برای بحث دربارهٔ این موضوع علمای اصلاح طلب و مخصوصاً سید محسن امین که پرکارتر از همه بود، از سه جهت وارد این بحث شد: اشاره به فتوایی که مجتهدان سرشناس صادر کرده بودند؛ حرمت خودآزایی (اضرار بالنفس)، اصلی از فقه اسلامی و احکام که به بیانی روشن تر، بیشتر یک نظر شخصی و حتی یک درک معمولی است نه یک عمل اجتهادی.

ازین رو، برای مثال، هر کس درک خودش از این مسئله را داشت که آیا این مراسم خودزنی برای کسانی که آن را روا می‌دارند زیان آور است یا بی ضرر و در پیگیری این بحث‌ها، حکم‌های کاملاً متفاوت با یکدیگر صادر شد. در هر صورت هر یک از آن‌ها به فتوایی اشاره می‌کردند که نظر آنان را تأیید می‌کرد، اگر بعضی از این فتواها مشروعیت یا حرمت ماهیت این اعمال را می‌پذیرفت، احتمالاً فتوای مبهم تری وجود داشت که به شکل دیگری تعبیر شد و همیشه تفسیرهای متفاوت وجود داشت. تعدادی از بزرگان علما تردید داشتند که علیه این مراسم موضع‌گیری کنند، زیرا آن بخشی از دین نبود بلکه به عقل سلیم و فرهنگ عامه مربوط می‌شد، ازین رو وارد این بحث نمی‌شدند.

با شروع فریادهای اصلاحات، کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های زیادی منتشر شد. این نوشته‌ها در حد کاملاً وسیعی، مخصوصاً در حوزهٔ علمی نجف، شامل دشنام‌هایی نثار اصلاح‌طلبان و

۱. او جایگاه خود را در *مجالس السنیه* در ۱۹۲۰ و بعداً در رساله‌ای به نام *رسالة التنزیه* به تفصیل بیان کرد.

برخوردهای تندى با اصلاحات بود. علاوه بر این، حتى تا سرزمین هند عکس العمل‌هایی وجود داشت. از یک طرف اصلاح طلبان برای دفاع از جامعه شیعی به هنگام رویارویی با مؤمنان به عقل سلیم و سلیقه فردی متوسل می‌شدند. اما نخست و پیش از هر چیزی این جریان با قضاوت بیگانگان روبرو بود و می‌ترسیدند که شیعه با انجام این مراسم خود را وحشی و ابله معرفی کند. از طرفی مخالفان اصلاحات از هویت شیعه دفاع می‌کردند که در ضمن انجام این مراسم نشان می‌دهد، در سایه تأسیس کشورهای آزاد جدید، دیگر سرکوب نمی‌شود. دو نظر مخالف در مورد جایگاه شیعه در بین اسلام و بین دنیای جدید و در رقابت بین گروه‌های قومی، بین جوامع مخالف و بین مجتهدان به موازات هم قرار گرفتند!

پس از این موج مخالفت‌ها که موجب تقسیم حوزه‌های علمی در دهه ۱۹۲۰ شد، تعداد اندکی از علما اقدام به ادامه این بحث‌ها کردند. آیه الله سید حسین بروجردی (د. ۱۹۶۱)، مرجع تقلید شیعیان، به راستی سعی کرد با اعمال خودزنی مخالفت کند. در حوزه‌های شیعی اغلب قصه کوتاهی این درباره می‌گویند: "ما تمام روزهای سال از شما تقلید می‌کنیم، به جز روز عاشورا" و مرجع تقلید به نماینده این گروه گفت این مراسم را برپا دارید.^۲ و از اینجا می‌توان دامنه قدرت مقام مرجعیت را شناخت.

تا زمانی که تاریخ معاصر شیعه وارد مرحله تازه‌ای نشده بود سخنی از به‌سازی این اعمال به نام تجدد در میان نبود. این فریادها از مبلغان اسلامی جنگ طلب و عقل‌گرا برخاست.

۱. در مورد اسدالله مامقانی نک: گلاس، "مراسم محرم (آذری) در استانبول در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم" ۱۲۴، ۱۲۷-۱۲۸. در مورد دو نفر دیگر نک: اندی: "خودزنی در محرم و علمای شیعه"، فصل ۶؛ ابراهیم حیدری "مراسم عزاداری عاشورا: جنسیت، بازیگران و نقش‌ها"، ص ۴۴۵-۴۶۰؛ ویس، "فرهنگ سیاسی و نوگرایی شیعه" فصل ۲.

۲. من این را در موارد گوناگون شنیده‌ام: از عالمی ایرانی که در لبنان زندگی می‌کرد و از اعضای گروهی از عزاداران در حیدرآباد.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۴۷

مشاجره دوباره آغاز شد، مخصوصاً هنگامی که حوزه با نفوذ فرقه شیرازیه^۱ این مراسم را تشویق کرد، و سایر مراجع اغلب موضع روشنی نگرفتند زیرا موقعیت آنان همیشه در معرض تفسیر بود. در آغاز دهه ۱۹۸۰ محمد حسین فضل الله (د. ۲۰۱۰) مردم لبنان را تشویق کرد به جای خون‌ریزی بیهوده خونشان را علیه اسرائیل بریزند. پس از آن او تصویری هرچه عقلانی‌تر از نماد کربلا ارائه داد و این مراسم خودزنی را به روشنی تحریم کرد.^۲

در ایران امام خمینی با این مراسم مخالفت کرد و بعد آیه الله خامنه‌ای در سال ۱۹۹۴ فتوا به حرمت آن داد. مؤمنان در داخل کشور نتوانستند از آن پس آن را انجام دهند؛ در خارج از ایران هواداران رهبر معظم نیز از این فتوا تقلید کردند.^۳ بار دیگر بحث با شدتی بسیار تندتر از اوّل آغاز شد. این مراسم مورد تأیید آیه الله سید ابوالقاسم خویی (د. ۱۹۹۲) نبود، اما آن را تحریم هم نمی‌کرد، به جز "زمانی که موجب وهن مذهب شود".^۴ ظاهراً آیه الله سید علی سیستانی، که فتوهای او در تأیید این مراسم اغلب از زبان مقلدانش نقل شده بود، نظر خود را تغییر داد. دفتر او (مکتب الاستفتاء) در سال ۲۰۱۰ بیانیه‌ای صادر کرد و صدور حکمی در تأیید تطبییر و علاوه بر آن یک عالم بحرینی را، که گفتار او را تحریف کرده بود، تکذیب کرد.^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ شیرازیه فرقه‌ای سیاسی-دینی است و خاندان شیرازی که دارای قدرتی در کشورهای خلیج فارس می باشد آن را رهبری می کند. نک: لورنس لوئر، سیاست فراملیتی شیعه: شبکه‌های دینی و سیاسی در خلیج فارس.

^۲ محمد حسین فضل الله، حدیث عاشورا، ص ۲۲۰-۲۲۱.

^۳ مروین، "گریه و زاری شیعیان"، ص ۱۶۳-۱۶۴.

^۴ به نقل از محمد حسین فضل الله، حدیث عاشورا، ص ۲۲۱.

^۵ "مکتب السیستانی یصدر تکذیباً بشأن آراء مؤیده للتطبییر منسوب للمرجع"

عقل‌گرایی در برابر "مقدس وحشی"^۱

امروزه فتواهای صادر شده از طرف مراجع تقلید و افکار بیان شده از طرف دانشمندان متوسط که وابسته به حوزه‌های عقلانی و مذهبی شیعه می‌باشند از اینترنت پخش می‌شود. کسانی که تطبیق و خودزنی را تأیید می‌کنند به خصوص در اینترنت فعالند و از این ابزار برای توجیه جایگاهشان استفاده می‌کنند؛^۲ و همچنین مدخل "تطبیق" در دائرةالمعارف را به خود اختصاص داده‌اند.^۳ در هر صورت بداندیش‌هایی هستند که خود را از طریق شبکه‌های اینترنتی،^۴ و شبکه‌های اجتماعی (فیس بوک و تویتر) که جدل‌ها را تقویت می‌کند، نشان می‌دهند - و در اینجا از مسلمانان سنی که از دیدن این رفتارهای خونین در اینترنت خشمگین می‌شوند سخنی نمی‌گوییم

این دو گروه، نه تنها در اینترنت، بلکه در جامعه نیز در کنار هم بسر می‌برند. پایگاه‌های اهدای خون (در طول ماه محرم در لبنان، بحرین)^۵ و در دیگر کشورهای خاور میانه و در بین جمعیت‌های پراکنده شیعه سازمان یافته‌اند تا جایگزینی عقلانی برای خون‌ریزی باشند که تصویر جامعه را لکه دار می‌سازد. اما بعضی مؤمنان هر دو عمل را انجام می‌دهند زیرا نمی‌توانند تصمیم بگیرند کدام یک از این دو راه را برگزینند تا در سایه شفاعت حسین (ع) به خدا نزدیک‌تر شوند.

^۱. این عبارت را از راجر باستید، مقدس وحشی *Le sacré sauvage* به عاریت گرفته ام.

^۲. نک: به این سایت‌ها (<http://wn.com/tatbeer> (accessed 13 August 2013) و <http://www.azadari4imam.org>) و <http://www.jafariyanews.com> (accessed 13 August 2013).

^۳. نک: <http://en.wikipedia.org/wiki/Tatbir> (accessed 13 August 2013).

^۴. نک: <http://www.shiachat.com/forum> (accessed 13 August 2013).

^۵. با تشکر از نویسنده محترم مقاله.

وقتی نیرویی اجباری می‌تواند نظریات نوگرایی و عقل‌گرایی را تحمیل کند، مؤمنان خود را به سینه زنی همراه با شرکت در دسته‌های عزاداری، بدون آنکه راه زیادی را بپیمایند، محدود می‌کنند. این روش مرسوم در ایران و در صف‌های حزب الله است (حتی اگر بعضی از مؤمنان مخفیانه خودزنی کنند)، زیرا حزب الله لبنان از حکم رهبرش اطاعت می‌کند. از آنجا که حزب الله در حومه جنوبی بیروت برتر از دیگران است، برای بیشتر دسته‌های عزاداری آنجا به بهترین شکل برنامه ریزی می‌کند. آن‌ها فرمان و جهان بینی پیشرفته حزب را منعکس می‌کنند. از طرفی در بعضی از شهرهای جنوب لبنان به‌ویژه در نبطیه، مانند شهرهای مقدس عراق و کشورهای خلیج فارس که زیر نفوذ شیرازیه است و در دیگر شهرهای شیعه نشین مانند فیلیپین و هند، هر سال خون ریخته می‌شود.

در حیدرآباد تقریباً به اتفاق نظری در این مورد دست یافته‌اند، رسوم خودزنی شیوه خوبی برای یادآوری شهادت حسین (ع) و بیان اندوه و نشان آمادگی برای خون دادن در راه او و آرزوی شفاعت او و خواسته‌های دیگر است. من در آنجا تنها یک مجتهد را دیدم که بیست سال در قم تحصیل کرده بود، و او این مراسم را نکوهش می‌کرد. در روز عاشورا مردان از سپیده دم تا تاریکی شب ماتم می‌گیرند و در حالی که تیغ‌های کوچکی بین انگشتانشان دارند به سینه می‌زنند، با کارد به فرق سرشان می‌کوبند، یا با تیغ‌هایی که به زنجیر بسته‌اند بر پشت خود می‌زنند. همان گونه که دیوید پینولت بیان کرد، عزاداران در نزدیکی‌های غروب دور هم جمع می‌شوند و هرکس سعی می‌کند در مهارت از دیگری پیشی گیرد در این جمع سالخورده‌گان بر جوانان، که می‌کوشند حرکات آن‌ها را تقلید کنند، سبقت می‌گیرند. همبستگی محکمی بین مردانی که همه باهم در حال شروع به خودزنی هستند وجود دارد؛ تفاوت‌های اجتماعی به تدریج از بین می‌رود. هر یکی به دیگری نگاه می‌کند، و تمام گروه به افراد خود می‌نگرد؛ هنگامی که عضوی به حالت بیهوشی نزدیک می‌شود و دیگر نمی‌تواند حرکات خود

را تنظیم کند و پیش بینی می‌شود زخم‌های خطرناکی بردارد، همکاران او یورش می‌برند تا او را از انجام آن باز دارند؛ این قدرت فقط در مردان دیده می‌شود؛ شرکت زنان شامل گریستن در زمانی است که مردان خون خود را می‌ریزند!

ازین رو، این مراسم هم آداب عبور است که به جوانان توان پیوستن به گروه را می‌بخشد، و هم آداب عرفی که جایگاه هر فردی را بر اساس جنسیت، سن و طبقه اجتماعی، در جامعه مشخص می‌کند.^۲ به آن‌ها توان می‌بخشد که احساسی را که در طول سال خواهند داشت بیان کنند، همچنین به آنان قدرت اندیشیدن در مورد روابط خود با گروه می‌بخشد و از طرفی گروه را قادر می‌سازد تا با جامعه شیعی دیگر کشورها و جوامع بین‌المللی شیعه ارتباط برقرار کنند و نیز جایگاه خود را (به عنوان یک اقلیت) در کشور از یاد ببرند. برای برگزاری این آداب در محیطی عمومی شیعیان نشان می‌دهند توان سازمان دهی این مراسم را دارند که همزمان خشونت‌ها را برطرف و نظم را برقرار کنند؛ و در عین حال هم در زمینه تاریخ جامعه تشیع محلی و هم داستان این خاندان مقدس و تنها صاحبان قدرتمندان مشروع، به آگاهی کامل دست یابند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. پیمایش و مصاحبه در حیدرآباد (دسامبر ۲۰۰۹).

۲. آرنولد فان گنپ، آداب عبور.

۳. پی‌یروردیو، "مراسمی عبادی همچون اصولی قضایی" ص ۴۳ (۱۹۸۲)، "مراسم و پرستش" "Rites et fétiches" ص

Abd al-Jabar Faleh, *The Shi'ite movement in Iraq*, Saqi, London, 2003

عبدالجبّار، فالج، نهضت شیعیان در عراق.

Aghaie, Kamran Scot (ed.), *The Women of Karbala: Ritual Performance and Symbolic Discourses in Modern Shi'i Islam*, Austin: University of Texas Press, 2005.

آقایی، کامران اسکات (ویراستار)، زنان کربلا: مراسم عبادی و گفتگوهای نمادین در اسلام شیعی امروز.

Aghaie, Kamran Scot, «The Karbala Narratives in Shi'i Political Discourse in Modern Iran in the 1960s-۱۹۷۰»، *Journal of Islamic Studies*, ۱۲/۲، ۲۰۰۱، ص. ۱۵۱-۱۷۶.

آقایی، کامران اسکات، «داستان‌های کربلا در گفتگوی شیعه در ایران امروز بین سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰»

Aghaie, Kamran, *The Martyrs of Karbala: Shi'i Symbols and Rituals in Modern Iran*, (Seattle and London: University of Washington Press, 2004

آقایی، کامران اسکات، شهدای کربلا: نمادهای شیعی و مراسم عزاداری در ایران امروز.

Amanat, Abbas, «Meadows of the Martyrs: Kashifi's Persianization of the Shii Martyrdom Narrative in Late Timurid Herat», in A. Amanat (ed.), *Apocalyptic Islam and Iranian Shi'ism*, I. B. Tauris, London-New York, ۲۰۰۹، ص. ۹۱-۱۰۹.

امانت، عبّاس، «روضه الشهداء» نوشته حسین واعظ کاشفی، ویرایش عبّاس امانت.

Al-Amīn, Muḥsin, *Autobiographie d'un clerc chiite du Gabal 'Āmil*, Traduction S. Mervin et H. al-Amin, IFEAD, Damas, 1998.

امین، سید محسن، شرح حال خودنوشت عالمی شیعه از جبل عامل. امین، سیدمحسن، المجالس السنیه (چاپ پنجم، نجف، بی تا.) پنج جلد اول در ۱۹۲۴ به چاپ رسیده است.

اوبن، اوژن ایران امروز. Aubin, Eugène, *La Perse d'aujourd'hui* (Paris, 1908).

اوژه، مارک، شیئی خدایی. Augé, Marc, *Le dieu objet*, Pa Flammarion, 1988.

Ayoub, Mahmoud, *A Redemptive Suffering in Islam. A Study of the Devotional Aspects of 'Ashūrā' in Twelver Shi'ism*, Mouton, La Hague-Paris, 1978.

ایوب، محمود، رنجی نجات بخش در اسلام، بررسی جنبه‌های عبادی عاشورا در شیعه دوازده امامی.

BERNEY-ABBAS, S., *The female Voice in Sufi Ritual: devotional Practices of Pakistan and India*. University of Texas Press, Austin, 2002
برنی-عباس، س، آوای زنان در تشریفات مذهبی اهل طریقت: مراسم عبادی در پاکستان و هند.

Bourdieu Pierre, «Les rites comme actes d'institution», *Actes de la recherche en sciences sociales*, 43, June 1982, 'Rites et fétiches', pp. 58-۶۳.

بوردیو، پی‌یر، "مراسمی عبادی همچون اصولی قضایی"

Burckhardt Qureshi, Regula, «Islamic Music in an Indian Environment: The Shi'a Majlis», *Ethnomusicology*, 25/1 (Jan. 1981), pp. 41-7۱.

بورکهارت قرشی، ریکولا، "نوی موسیقی اسلامی در محیطی هندی: مجلس شیعی"

Calmard, Jean, 'L'Iran sous Nâseroddin Châh et les derniers Qadjars. Esquisse pour une histoire politique culturelle et socio-religieuse', in *Le monde iranien et l'islam* (Paris, 1976-1۹۷۷), pp. ۴, pp. ۱۶۵-۱۶۲.

کالمرد، جین "ایران در دوران ناصرالدین شاه و دیگر شاهان قاجار"

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۵۳

Calmard, Jean 'Hosayn b. 'Alī. ii. in Popular Shi'ism', EIR, online: <http://www.iranicaonline.org/articles/hosayn-b-ali-ii> (accessed 13 August ۲۰۱۳)

کالمرد، جین، "حسین بن علی" دائرة المعارف ایرانیکا

Calmard, Jean, 'Le mécénat des représentations de ta'ziyē: II. Les débuts de Nâseroddin Châh', in *Le monde iranien et l'islam* (Geneva and Paris, 1976-1۹۷۷), □□□. ۴, □□. ۱۳۳-۱۶۲

کالمرد، جین، "رواج تعزیه قدم‌های اوّل ناصرالدین شاه"

Chelkowski P. J. (éd.), *Ta'ziyeh: Ritual and Drama in Iran*, New York, New York University Press, 1979

چلکوفسکی، پ. ج. (ویراستار)، تعزیه: مراسم عبادی و تعزیه خوانی در ایران

Chelkowski, Peter and Hamid Dabashi, *Staging a Revolution: The Art of Persuasion on the Islamic Republic of Iran* (London, 2005)

پی‌تر چلکوفسکی و حمید دهباشی، نمایش یک انقلاب: هنر تشویق جمهوری اسلامی ایران (لندن، ۲۰۰۵)

Chelkowski, Peter, «Narrative Paintings and Painting Recitation in Qajar Iran», *Muqarnas*, 6 (1989), pp. 98-111.

چلکوفسکی، پی‌تر، "پرده‌های نقاشی داستانی و پرده خوانی در دوران قاجار"

Chelkowski, Peter, 1985 «Shia Muslim Processional Performances». *The Drama Review*, 29 (3), p. 18-30.

چلکوفسکی، پی‌تر، "اجرای نوحه خوانی‌های دسته جمعی مسلمانان شیعه" مجله نمایش

Chrara, Waddah, *Transformation d'une manifestation religieuse dans un village du Liban-sud (Ashura)*, Publications du Centre de Recherches de l'Université Libanaise, Beyrouth, 1968, p 113.

کراره، وده، تغییر شکل نمایشی مذهبی در روستایی در جنوب لبنان

Cole, Juan, *Roots of North Indian Shī'ism in Iran and Iraq: Religion and State, in Awadh, 1722-1859* (Berkeley and London, 1988), p. ۱۰۲.

کول، خوان، ریشه‌های تشیع هندی در ایران و عراق: دین و دولت در آوده ۱۷۲۲-۱۸۵۹

Deeb, Lara, «Emulating and/or embodying the ideal: The gendering of temporal frameworks and Islamic role models in Shi'i Lebanon», *American Ethnologist*, 36/2, May 2009, p. 242-257
دیب، لارا، «همچشمی یا مجسم کردن 242-257»، *American Ethnologist*, 36/2, May 2009, p. 242-257
آرمان‌ها: جنسیت ابزارهای دنیوی و نقش نمادهای اسلامی در شیعیان لبنان

Deeb, Lara, «Living Ashura in Lebanon: Mourning Transformed to Sacrifice», *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 25/1, 2005, 122-137

دیب، لارا، «عاشورای زنده در لبنان: عزاداری که تبدیل به قربانی شد»

Deeb, Lara, *An Enchanted Modern: Gender and Public Piety in Shi'i Lebanon* (Princeton: Princeton University Press, 2006).

دیب، لارا، جاذبه‌ای نوین: جنسیت و مراسم عزاداری در بین شیعیان لبنان

Denny, Frederick M., «Tawwābūn», *EI*²

دنی، فردریک، «توابون»، دائرة المعارف اسلام ویراست دوم

Ende, Werner 'The Flagellations of Muḥarram and the Shi'ite 'Ulamā'', *Der Islam*, 55 (1978), pp. 19-36.
اندی، ورنر، «خودزنی در محرم و علمای شیعه». *Der Islam*, 55 (1978), pp. 19-36.

Faḍl Allāh, Muḥammad Ḥusayn, *Hadīth 'āshūrā* (Beirut, 1997), pp. 220-221.
محمدحسین فضل‌الله، حدیث عاشورا. (accessed 13 August 2013).

Ferne, Elizabeth, *Guest of the Sheikh: An Ethnography of an Iraqi Village* (New York, 1965)
فرنی، الیزابت، مهمان شیخ: آداب و رسوم روستایی عراقی

Fischer, Michael M.J., *Iran from Religious Dispute to Revolution*, Harvard University Press, Cambridge-London, 1980

فیشر، مایکل م. ج.، ایران از گفتگوهای دینی تا انقلاب

Gaffary, Farrokh, «Evolution of Rituals and Theater in Iran», *Iranian Studies*, 17/4 (autumn 1984), pp. 361-389

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۵۵

جعفری، فرخ، "تحول مراسم عزاداری و نمایش در ایران"

Glassed, E., 1993, «Muharram-Ceremonies ('Azâdârî) in Istanbul at the End of the XIXth and the Beginning of the XXth Century», dans Zarcone et Zarrinebaf-shahr 1993, p. 113-۱۲۹.

گلاسن، ا. "مراسم محرم (آذری) در استانبول در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم"

Gobineau, Joseph Arthur de, Les religions et les philosophies dans l'Asie centrale (2nd ed., Paris, 1866), pp. 377-3۷۸.

گوینو، ژوزف آرتوردو، فلسفه و ادیان آسیای مرکزی

Günther, Sebastian, «Maqâtil Litterature in Medieval Islam», Journal of Arabic Litterature, XXV (1994), p. 192-212.

گونتر، سباستیان، "کتاب‌های مقتل در سده‌های میانه اسلام"

Halawi, Majed, A Lebanon Defied: Musa al-Sadr and the Shi'a Community, Westview Press, 1992 "ماجد، حلوی، امام موسی صدر و جامعه شیعه"

Hasnain, Nadeem et Husain, Abrar (Sheikh), Shias and Shia Islam in India, Delhi, Harnam Publications, 1988.

حسنین، ندیم و حسین، ابرار، شیعه و تشیع اسلامی در هند

Hawting, «al-Mukhtâr b. Abî 'Ubayd al-Thakafi», EI²

هاوتینگ، "مختار بن ابی عبیده ثقفی"، دائرة المعارف اسلام، ویراست دوم

Haydari, Ibrahim, «The Rituals of 'Ashura: Genealogy, Functions, Actors and Structures», in Faleh Abdul-Jabar ed., Ayatollahs, Sufis and Ideologues. State, Religion and Social Movements in Iraq, Saqi Books, ۲۰۰۲, p. ۱۰۱-۱۱۳. "حیدری، ابراهیم، مراسم عزاداری عاشورا: جنسیت، بازیگران و نقش‌ها"

Hegland, Mary Elaine, «Flagellation and Fundamentalism: (Trans) Forming Meaning, Identity, and Gender through Pakistani Women's Rituals of Mourning», American Ethnologist, 25/2 (May, 1998), pp. 240-2۶۶. □□□

هگلند، مری الین، "سینه‌زنی و بنیادگرایی: (ترجمه) مفهوم، هویت و جنسیت در مراسم عزاداری زنان پاکستانی"

Hegland, Mary Elaine, «The Power Paradox in Muslim Women's Majales: North-West Pakistani Mourning Rituals as Sites of Contestation over Religious Politics, Ethnicity and Gender», *Signs*, 23/2 (Winter 1998), pp. 391-428.

هگلند، مری الین، "دو نیروی مخالف در مجالس زنان مسلمان: مراسم عزاداری در شمال غربی پاکستان به عنوان پایگاه‌هایی در موافقت با سیاست‌های دینی، قومی و جنسیتی" ساینز ۲۳ (۱۹۹۸) ص ۳۹۱-۴۲۸

Hegland, Mary Elaine, *The Majales Shi'a Woman's Rituals of Mourning in Northwest Pakistan*. In: *A Mixed Blessing: Gender and Rituals Fundamentalism Cross Culturally*, edited by Judy Brink and Joan Mencher, p. 179-96. New York, Routledge, 1997

هگلند، مری الین، مجالس عزاداری زنان شیعه در شمال غربی پاکستان هند

Hobsbawm, Eric, *Nations et nationalisme depuis 1780*, programme, mythe, réalité, Paris, Gallimard, 1992.

هوبسباوم، اریک، ملت‌ها و ملی‌گرایی از سال ۱۷۸۰، برنامه، اسطوره، واقعیت

Hollister, John Norman, «The Shiite community in India today», *Moslem World*, 36 (1946), p. 319-۳۳۰ "جامعه شیعی در هند امروز"

Howarth, Toby M., *The Twelver Shi'a as a Muslim Minority in India. Pulpit of tears*, Routledge, New York, 2005

هوارث، توبی م، شیعه دوازده امامی، اقلیتی دینی در هند. منبر اشک‌ها

Hussain, Ali J, «The Mourning of History and the History of Mourning: The Evolution of Ritual Commemoration of the Battle of Karbala» in *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East* (1), 2005, p.

حسین، علی ج، "نوحه‌سرایی تاریخ و تاریخ نوحه‌سرایی" ۷۸-۸۸.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۵۷

Kesnin Bey, *The Evil of the East or Truths about Turkey* (London, 1888), Ch. 8: 'The Bloody Festival of Hasan and Hussein'

کسنین بیک، شرارت شرق یا حقایقی دربارهٔ ترکیه

Khuri Fuad I., *From Village to Suburb: Order and Change in Greater Beirut* (Chicago: University of Illinois Press, 1975). Vérifier

خوری فواد I، از روستا تا حومهٔ شهر: نظم و تغییر در بیروت بزرگ.

Korom, Frank J., *Hosay Trinidad: Muharram Performances in an Indo-Caribbean Diaspora*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2003.

کروم فرانک ج.، حسی ترینیداد: برگزاری مراسم محرم در میان اقلیتی پراکنده از مردم هند و کارایی.

Louër, Laurence *Transnational Shia Politics: Religious and Political Networks in the Gulf*, (New York, 2008). لورن، لورنس، سیاست فرا ملیتی شیعه.

شبکه‌های دینی و سیاسی در خلیج فارس.

Madelung, Wilferd, 'Husayn b. 'Alī b. Abī Tāleb', *EIR* (2004), online: <http://www.iranicaonline.org/articles/hosayn-b-ali> (accessed 13 August

مادلونگ، ویلفرد، "حسین بن علی بن ابی طالب (ع)" دائرة المعارف ایرانیکا.. (۲۰۱۳)

Mallat, Chibli, «Religious Militancy in Contemporary Iraq: Muhammad Baqer al-Sadr and the Sunni-Shia Paradigm», *Third World Quarterly*, 10/2 (April 1988), p. 699-729.

ملت، چلبی، "ستیزه جویی مذهبی در عراق معاصر: محمد باقر صدر و الگوی شیعه-سنی"

Mauss, Marcel, «L'expression obligatoire des sentiments (rituels oraux funéraires australiens)» *Journal de psychologie*, 18, 1921.[copie] pp.?

ماوس، مارسل، "بیان اجباری احساسات (سخنی در بیان مراسم عزاداری به خاک سپاری

استرالیایی‌ها)"

Mervin, Sabrina 'Fāṭima et Zaynab, deux Dames de l'islam chiite', *L'éternel féminin au regard de la cathédrale de Chartres, Actes du colloque européen, 30/6 et 1/7/01, AACMEC (Chartres, 2002), p. 111-119.*

مروین، سابرینا، "فاطمه و زینب (س) دو بانوی جهان اسلام شیعی"

Mervin, Sabrina, « 'Āshûrâ': Some remarks on ritual practices in different Shiite communities (Lebanon and Syria)», *The Other Shiites: From the Mediterranean to Central Asia, dir. A. Monsutti, S. Naef and F. Sabahi, Peter Lang, Berne, Frankfurt and New York, 2007, p. 137-147.*

مروین، سابرینا، "عاشورا: گفتاری درباره مراسم عزاداری در جوامع مختلف شیعی لبنان و سوریه"

Mervin, Sabrina, « Les larmes et le sang des chiïtes: corps et pratiques rituelles lors des célébrations de 'ashûrâ' (Liban, Syrie)», REMMM 113-114, ۲۰۰۶, ۱۵۳-۱۶۶.

مروین، سابرینا، "گریه و زاری شیعیان: بخش اصلی و عملی آداب دینی در مراسم عاشورا (لبنان، سوریه)"، جسم و دین در بین مسلمانان مشرق زمین.

Mervin, Sabrina, «Le théâtre chiite au Liban, entre rituel et spectacle», *Itinéraires esthétiques et scènes culturelles, dir. N. Puig et F. Mermier, IFPO, Beyrouth, 2007.*

مروین، سابرینا، "تعزیه خوانی شیعیان لبنان، بین مراسمی دینی و نمایشی"

Mervin, Sabrina, «Sayyida Zaynab: banlieue de Damas ou nouvelle ville sainte chiite? », CEMOTI, 22, «Arabes et Iraniens», 1996, p. ۱۴۹۱۶۲. document138.html

مروین، سابرینا، "زینبیه: حومه دمشق یا شهر جدید مقدس شیعیان"

Mervin, Sabrina, «Shiite Theatre in South Lebanon: the Karbala Drama and the Sabaya», *Eternal Performance: Ta'zieh and Other Shiite Rituals (Enactments), ed. Peter Chelkowski, University of Chicago Press, 2010, p.*

مروین، سابرینا، "تعزیه خوانی شیعیان در جنوب لبنان: نمایش کربلا و سبایا" ۳۲۴-۳۳۵.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۵۹

Mervin, Sabrina, *Un réformisme chiite. Ulémas et lettrés du Jabal 'Âmil (actuel Liban-Sud) de la fin de l'Empire ottoman à l'indépendance du Liban*, Karthala-CERMOC-IFEAD, Paris, 2000.

مروین، سابرینا، اصلاح طلبی شیعی: علما و دانشمندان جبل عامل (استان جنوب لبنان) در پایان امپراتوری عثمانی

Monsutti, Alessandro, «Entre effervescence religieuse et expression politique: l'Ashura parmi les Hazaras à Quetta, Pakistan», *Ethnographiques.org*, n° 8, novembre 2005 [en ligne].
<http://www.ethnographiques.org/2005/Monsutti.html>.

منسوتی، آلساندرو، "بین جوشش مذهبی و فشار سیاسی: عاشورا در میان هزاره‌های کوئته (پاکستان)"

Mushirul Hasan «Traditional Rites and Contested Meanings: Sectarian Strife in Colonial Lucknow», *Economic and Political Weekly*, 31/9 ۲/۳/۱۹۹۶), pp. ۵۴۳-۵۵۰.

مشیر الحسن، "مراسم عزاداری سنتی و مفاهیم مورد اختلاف: نزاع‌های فرقه‌ای در لکهنوی مستعمراتی"

Nakash, Yitzhak, 1993, «An Attempt to Trace the Origin of the Rituals of 'Ashūrā'», *Die Welt des Islam*, 33, p. 161-1۸۱

نکش، ایزبک، "کوششی برای ریشه‌یابی مراسم عاشورا"

Naqvi, Sadiq, *Muslim Religious Institutions and their Role under the Qutb Shahs*, Bab-ul-Ilm Society, Hyderabad, 2006 b. (2nd ed).

نقوی، صادق، نهاد‌های دینی اسلامی و نقش آن‌ها در دوران قطب شاهیان.

Naqvi, Sadiq, *The 'āshūr khānas of Hyderabad city*, Bab-ul-Ilm Society: Hyderabad, 2006 a. (3rd ed.)

نقوی، صادق، عاشورخانه‌های شهر حیدرآباد، (حیدرآباد ۲۰۰۶).

Nasr, Salim, «Mobilisation communautaire et symbolique religieuse: l'imam Sadr et les Chi'ites du Liban (1970-1975)», in *Radicalismes islamiques*, éd. Olivier Carré et Paul Dumont, l'Harmattan, Paris, 1985, p. ?
نصر، سلیم، «بسیج جامعه و نمادهای مذهبی: امام موسی صدر و شیعیان لبنان (۱۹۷۰-۱۹۷۵)»

Pettys, Rebecca Ansary, «The Ta'ziyeh: Ritual Enactment of Persian Renewal», *Theatre Journal*, 33/3 (Oct. 1981), pp. 341-3۵۴.

پتیز، ربکا انصاری، «تعزیه: تایید مراسم مذهبی بازسازی ایرانی»

Pinault, David, «Shia Lamentation Rituals and Reinterpretation of the Doctrine of Intercession: Two cases from Modern India», *History of religions*, vol. 38, n° 3 (Feb. 1999), p. 285-305.

پینولت، دیوید، «مراسم عبادی سوگواری شیعیان و تفسیر واژه شفاعت»

Pinault, David, *Horse of Karbala: Muslim Devotional Life in India* (London: Palgrave, 2001) .
پینولت، دیوید، اسب کربلا: زندگی عبادی در هند (۲۰۰۱).

Pinault, David, *The Shiites. Rituals and Popular Piety in a Muslim Community*, St Martins Press, New York, 1992

پینولت، دیوید، مراسم عزاداری شیعه و پارسایی مردمی در جامعه‌ای اسلامی.

Al-Rawâziq, Sâdiq Ja'far, Amîr al-manâbir, (Dâr al-Mahajja al- baydâ',
روازق، صادق جعفر، امیر المنابر دارالمحجّة البيضاء، 2004) (Beirut,

Rizvi, S. A., *A Socio-Intellectual History of the Ithnâ' Asharî Shī'īs in India* (Canberra, 1986), vol. 2, pp. 347-352
رضوی، س.ا.، تاریخ فکری اجتماعی

شیعیان اثنی عشری در هند، ص ۳۴۷-۳۵۲.

Ruffle, Karen, «Karbala in the Indo-Persian imaginaire: the Indianizing of the Wedding of Qasem and Fatima Kubra», Denis Hermann and Fabrizio Speciale (ed.), *Muslim Cultures in the Indo-Iranian World during the Early-Modern and Modern Periods*. Berlin, Klaus Schwarz Verlag (series *Islamkundliche Untersuchungen*, vol. 290) - Institut Français de Recherche en Iran (series *Bibliothèque iranienne*, vol. 69), 2010.

مراسم عزاداری عاشورا: زندگی و سیاست: رویکردی تطبیقی (لبنان و هندوستان) ۶۱

روفل، کارن، "کربلا در انگاره‌های هند و پارسیان: هندی سازی عروسی قاسم و فاطمه کبری"

Sabrina Mervin, 'Tu n'effaceras pas notre mémoire', in S. Mervin, ed., *Le Hizbullah, état des lieux* (Paris, ۲۰۰۸)

مروین، سابرینا "تو یاد ما را از خاطره‌ها محو نخواهی کرد" حزب الله دولت محلی، ویرایش

س. مروین.

Schubel, Vernon James, *Religious Performance in Contemporary Islam: Shi'i Devotional Rituals in South Asia*, Columbia, 1993.

شوبل، ورنون جیمز، برگزاری مراسم عزاداری در اسلام معاصر: مراسم عبادی شیعیان در

جنوب آسیا.

Shams al-Din, Shaikh Muḥammed Mehdī, *The Rising of al Hussayn: its Impact on the Consciousness of Muslim Society*, Muhammadi Trust, Londres, 1985.

شیخ محمد مهدی شمس الدین، قیام حسین (ع): تأثیر آن بر هوشیاری جامعه اسلامی.

Sindawi, Khalid 'The Image of Husayn ibn 'Ali in Maqatil Literature', *Quaderni di Studi Arabi*, 20/21 (2002–2003), pp. 79–104

سنداوی، خالد "سیمای حسین بن علی (ع) در کتاب‌های مقتل"

Syed Akbar Hyder, *Reliving Karbala. Martyrdom in South Asian Memory*, Oxford University Press, USA, 2006

سید اکبر حیدر، احیاء کربلا: شهادت در یاد مردم آسیای جنوبی

"تعزیه"، دائرة المعارف ایرانیکا *Encyclopaedia Iranica*, «Ta'zīyeh»

Thurfjell, David, *Living Shi'ism. Instances of Ritualization Among Islamist Men in Contemporary Iran*, Brill, Leiden-Boston, 2006. ترفل

(۹)، دیوید، تشیع پایدار. نمونه‌هایی از انجام شعائر دینی در بین مردم اسلام گرای ایران امروز.

Turner, Victor, *Dramas, Fields, and Metaphors: Symbolic Action in Human Society*, Ithaca, NY, Cornell University Press, 1974.

ترنر، ویکتور، نمایشنامه‌ها، زمینه‌ها، و استعاره‌ها: کاری نمادین در جامعه انسانی.

van Gennep, Arnold, *Rites of Passage* (London, 2004)

آرنولد فان گنپ، آداب عبور.

Virolleaud, Charles, *Le théâtre persan*, Paris, Librairie d'Amérique et d'Orient, 1950. ویلورو، شارل، نمایش ایرانی و نمایشنامه کربلا.

Volker, Adam, «Why do they cry? Criticisms of Muharram celebrations in tsarist and socialist Azerbaijani», *The Twelver Shia in Modern Times: Religious Culture and Political History*, ed. Rainer Brunner et Werner Ende, Brill, 2001, p. 114-134.

ولکر، آدم، «برای چه می‌گریند؟ نقد مراسم محرم در آذربایجان تزاری و سوسیالیست»

Weiss, Max, «The Cultural Politics of Shi'i modernism: morality and gender in early 20th century Lebanon», *IJMES*, 39/2 (May 2007), p. 270.

ویس، ماکس، «فرهنگ سیاسی نوگرایی شیعه: اخلاق و جنسیت در اوایل سده بیستم لبنان»

Weiss, Max, *In the Shadow of Sectarianism: Law, Shi'ism and the Making of Modern Lebanon* (Cambridge and London, 2010), especially Ch.

ویس، ماکس، در سایه فرقه‌گرایی: قانون، تشیع و ساخت لبنان جدید. ۲.

Zarcone, Thierry, 'La communauté chiite de Turquie à l'époque contemporaine', in Sabrina Mervin, ed., *Les mondes chiites et l'Iran* (Paris, ۲۰۰۷)

زاکرون، تیری، «جمعیت شیعیان ترکیه در زمان معاصر» در جهان شیعه و ایران، ویرایش

سابرینا مروین

Zulkifli, *The Struggle of the Shi'is in Indonesia* (Ph.D. thesis, Leiden, ۲۰۰۹). ذوالکفلی، تلاش شیعیان در اندونزی.